

درس سوم : در امواج سند	۱
واژگان	۱
دستور	۲
آرایه‌های ادبی	۴
قرابت معنایی	۵
معنا و مفهوم ابیات و عبارات	۵
تاریخ ادبیات	۹
درس پنجم : آغازگری تنها	۹
واژگان	۹
دستور	۱۲
آرایه‌های ادبی	۱۶
قرابت معنایی	۱۸
معنا و مفهوم ابیات و عبارات	۱۸
تاریخ ادبیات	۲۰

این پک به صورت کامل برای تمام دروس تجربی با یک قیمت حداقلی که تمام افراد توانایی پرداخت آن را دارند منتشر شده بنابراین استفاده رایگان از آن مورد رضایت ما نخواهد بود جهت تهیه روی همین متن قرمز لمس یا کلیک کنید

فصل دوم : ادبیات پایداری

درس سوم : در امواج سند واژگان

۱) معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) هر درختی را ثمره معین است.

ب) گاهی به عدم آن پژمرده شود.

ج) و این است صفت آزادگان.

۲) در ابیات زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) به مغرب سینه‌مالان قرص خورشید

ب) در آن تاریک شب می‌گشت پنهان

۳) در متن درس «در امواج سند» واژه‌هایی را بیابید که معانی زیر را دارا باشند.

اسب (.....) نابودکننده (.....) عمیق (.....)

۴) در عبارات زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«حکیمی را پرسیدند: چندین درخت نامور که خدای عزوجل آفریده است و برومند، هیچ‌یک را آزاد نخوانده‌اند؛ مگر سرو را که ثمره‌ای ندارد. درین چه حکمت است؟»

۵) در ابیات زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک

ب) چو بگذشت، از پس آن جنگ دشوار

۶) معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) به پیش دشمنان استاد و جنگید

ب) شبی را تا شبی با لشکری خُرد

۷) در ابیات زیر واژه‌های مشخص شده را معنی کنید.

الف) به خوناب شفق در دامن شام

ب) در آن سیماب گون امواج لرزان

۸) معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

در آن باران خون و برق پولاد

۹) در بیت زیر معنای واژه مشخص شده را بنویسید.

«هندیان را اصطلاح هند، مدح

سندیان را اصطلاح سند، مدح»

۱۰) معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

الف) چندین درخت نامور که خدای عزوجل آفریده است.

ب) گرت ز دست بر آید چو نخل باش کریم

- پ به زیر باره می‌نالید از درد
ت به رقص مرگ، اخترهای انبوه
ث ز امواج گران، کوه از پی کوه
ج خروشان، ژرف، بی‌پهنا، کف‌الود
چ ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت
ح شبی را تا شبی با لشکری خُرد
خ چو کشتی بادپا در رود افکند!
د دمار از جان این غولان کشم سخت
ذ به پاس هر وجب خاکی از این مُلک
ر چه اندیشید آن‌دم کس ندانست
ز

به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد

۱۱ در گروه کلمات زیر، غلط‌های املائی را بیابید و شکل صحیح آنها را بنویسید.

«افسر و تاج - غدر و ارزش - سیماب‌گون - عافیت‌سوز - لشکری خورد - خونا ب شفق - فروغ خرگه خوارزمشاهی - قرص خورشید - می‌رقصید و می‌غلتید»

۱۲ غلط‌های املائی متن‌های زیر را مشخص کرده و درست آنها را بنویسید.

الف حکیمی را پرسیدند: چندین درخت نامور که خدای عزوجل آفریده است و برومند، هیچ یک را آزاد نخوانده‌اند: مگر سرو را که سمره‌ای ندارد. درین چه حکمت است؟ گفت: هر درختی را سمره معین است که به وقتی معلوم به وجود آن تازه آید و گاهی به عدم آن پژمرده شود و سرو را هیچ از این نیست و همه وقتی خوش است و این است صفت آزادگان،

ب

به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد

۱۳ در کدام گزینه نادرستی املائی وجود دارد؟ تصحیح کنید.

- ۱) در آن تاریک شب می‌گشت پنهان
۲) به رود سند می‌غلتید بر هم
۳) از آن این داستان گفتم که امروز
۴) هر درختی را ثمره معین است که به وقتی معلوم به وجود آن تازه گردد و به عدم آن پژمرده شود.

دستور

۱۴ در عبارات زیر نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) چندین درخت نامور که خدای عزوجل آفریده است.
ب) و سرو را هیچ از این نیست و همه وقتی خوش است.

۱۵ در ابیات زیر نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) به مغرب سینه‌مالان قرص خورشید
ب) نهان می‌گشت روی روشن روز
نهان می‌گشت پشت کوهساران
به زیر دامن شب در سیاهی

۱۶ در کدام یک از ابیات زیر جهش ضمیر اتفاق افتاده است؟

الف) گرت ز دست بر آید چو نخل باش کریم
ب) چه اندیشید آن دم، کس ندانست
ورت ز دست نیاید چو سرو باشد آزاد
که مژگانش به خون دیده تر شد

۱۷ نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد»

۱۸) باتوجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«در آن تاریک شب می گشت پنهان / فروغ خرگه خوارزمشاهی»

الف) یک ترکیب وصفی مقلوب بیابید.

ب) هسته گروه اسمی در مصراع دوم چیست؟

ج) نقش دستوری واژه‌های «فروغ» و «پنهان» را بنویسید.

۱۹) در ابیات زیر نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) به خوناب شفق در دامن شام / به خون آلوده ایران کهن دید

ب) چو آتش در سپاه دشمن افتاد / ز آتش هم کمی سوزنده تر شد

۲۰) باتوجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«پنهان می گشت روی روشن روز / به زیر دامن شب در سیاهی»

الف) چند ترکیب وصفی و اضافی وجود دارد؟

ب) بیت چند جمله است؟

ج) نقش دستوری واژه‌های «پنهان»، «زیر» و «سیاهی» را مشخص کنید.

۲۱) در هر یک از مصراع‌های زیر انواع وابسته را مشخص کنید.

الف) در آن سیماب گون امواج لرزان

ب) ز هر موجی هزاران نیش می رفت

پ) به رقص مرگ، اخترهای انبوه

ت) به خوناب شفق در دامن شام

۲۲) در هر یک از مصراع‌های زیر هسته گروه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) رهند از بند اهریمن، وطن را

ب) از آن دریای بی پایاب، آسان

پ) خدا داند چه افسرها که رفته!

ت) شبی را تا شبی با لشکری خرد

۲۳) در جملات زیر قیده‌ها را مشخص کنید.

الف) فردا به دیدن دوست صمیمی شما خواهم رفت.

ب) امروز جمعه است و بهترین روز برای عبادت.

پ) هر روز به آینده می اندیشم.

ت) کار امروز خیلی خوب بود.

۲۴) با توجه به بیت «به فرزندان و یاران گفت چنگیز / که گر فرزند باید، باید این سان!» به پرسش‌ها پاسخ دهید.

الف) نقش دستوری واژه مشخص شده را بنویسید؟

ب) در بیت، مفعول را مشخص کنید.

۲۵) در کدام یک از ابیات زیر فعل «گشت» غیراسنادی است؟

۱) به مغرب سینه مالان قرص خورشید / پنهان می گشت پشت کوهساران

۲) در آن باران تیر و برق پولاد / میان شام رستاخیز می گشت

۲۶) کدام بیت به شیوه بلاغی سروده شده است؟

آ) به مغرب، سینه مالان قرص خورشید / پنهان می گشت پشت کوهساران

ب) در آن سیماب گون امواج لرزان / خیال تازه‌ای در خواب می دید

۲۷ در بیت‌های زیر، قیدها را مشخص کنید.

چه اندیشید آن دم، کس ندانست
چو آتش در سپاه دشمن افتاد

که مژگانش به خون دیده تر شد
ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد

۲۸ قیدها را در بیت زیر مشخص کنید.

اگر یک لحظه امشب دیر جنبد
سپیده‌دم جهان در خون نشنید

آرایه‌های ادبی

۲۹ «دریای خون»، در بیت‌های «هشتم و دوازدهم» درس «در امواج سند» استعاره از چیست؟

بیت هشتم: در آن دریای خون در قرص خورشید غروب آفتاب خویشتن دید
بیت دوازدهم: در آن دریای خون در دشت تاریک به دنبال سر چنگیز می‌گشت

۳۰ در مصراع اول بیت زیر «برگ» و «شاخه» استعاره از چه هستند؟

ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت
دو چندان می‌شکفت و برگ می‌کرد

۳۱ در کدام یک از ابیات زیر، هر دو آرایه تشبیه و استعاره دیده می‌شود؟

الف) به خوناب شفق در دامن شام
به خون آلوده ایران کهن دید

ب) نهان می‌گشت روی روشن روز
به زیر دامن شب در سیاهی

۳۲ در ابیات زیر، کلمات مشخص شده چه آرایه مشترکی دارند؟ منظور از آنها را بنویسید.

• در آن تاریک شب می‌گشت پنهان
فروغ خرگه خوارزمشاهی

• ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک
خدا داند چه افسرها که رفته

۳۳ ابیات زیر را از نظر کاربرد «تشبیه» و «کنایه» بررسی کنید.

ز رخسارش فرو می‌ریخت اشکی
بنای زندگی بر آب می‌دید

در آن سیماب‌گون امواج لرزان
خیال تازه‌ای در خواب می‌دید

۳۴ «دریای خون» در هر یک از ابیات زیر استعاره از چیست؟

الف

در آن دریای خون، در قرص خورشید غروب آفتاب خویشتن دید

ب

در آن دریای خون در دشت تاریک به دنبال سر چنگیز می‌گشت

۳۵ نوع ترکیب‌های اضافی مشخص شده در ابیات زیر را بنویسید.

الف

در آن باران تیر و برق پولاد میان شام رستاخیز می‌گشت

ب

به خوناب شفق در دامن شام به خون آلوده، ایران کهن دید

پ

نهان می‌گشت روی روشن روز به زیر دامن شب در سیاهی

۳۶ در مصراع‌های زیر «کنایه‌ها» را بیابید و مفهوم آن را بنویسید.

الف) سپیده‌دم جهان در خون نشیند

ب) که مژگانش به خون دیده تر شد

پ) بنای زندگی بر آب می‌دید

ت) ز تن‌ها سر، ز سرها خود افکند!

ث چه بسیار است آن سرها که رفته!

۳۷ در ابیات زیر آرایه «متناقض‌نما» را مشخص کنید.

الف

میان موج می‌رقصید در آب به رقص مرگ، اخترهای انبوه

ب

از این سد روان، در دیده شاه ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت

۳۸ آرایه‌های ادبی ابیات زیر را بنویسید.

الف

ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت دو چندان می‌شکفت و برگ می‌کرد

ب

گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم ورت ز دست نیاید، چو سرو باش آزاد

قرابت معنایی

۳۹ ویژگی نمادین درخت «سرو» را در مثال‌های زیر مقایسه کنید.

الف) هر درختی را ثمره معین است و سرو را هیچ از این نیست و همه وقتی خوش است و این است صفت آزادگان.

ب) به سرو گفت کسی میوه‌ای نمی‌آری جواب داد که آزادگان تهیدستانند

۴۰ درباره ارتباط معنایی بیت زیر و متن درس «در امواج سند» توضیح دهید.

در ره عشق وطن از سر جان خاسته‌ایم تا در این ره چه کند همت مردانه ما «رهی معیّری»

۴۱ در سروده «در امواج سند»، «موج» و «رود» به چه چیزهایی مانند شده‌اند؟

۴۲ مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید.

• در ره عشق وطن از سر جان خاسته‌ایم تا در این ره چه کند همت مردانه ما؟

• به پاس هر وجب خاکی از این مُلک چه بسیار است، آن سرها که رفته

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۴۳ مرجع ضمیر «خویشتن» در بیت «در آن دریای خون در قرص خورشید / غروب آفتاب خویشتن دید» چه کسی است؟

۴۴ ابیات زیر را به فارسی روان برگردانید.

به پاس هر وجب خاکی از این مُلک چه بسیار است آن سرها که رفته

ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک خدا داند چه افسرها که رفته

۴۵ مفهوم بیت «گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد» چیست؟

۴۶ شاعر در بیت زیر، چه صحنه‌ای از نبرد را وصف می‌کند؟

«ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت دوچندان می‌شکفت و برگ می‌کرد،

۴۷ حمیدی شیرازی در ابیات زیر، چه کسی را و با چه ویژگی‌هایی وصف می‌کند؟

چه اندیشید آن دم، کس ندانست که مژگانش به خون دیده تر شد

چو آتش در سپاه دشمن افتاد ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد

۴۸ شاعر در بیت زیر، قصد بیان چه نکته‌ای را دارد؟

در آن تاریک شب می‌گشت پنهان فروغ خرگه خوارزمشاهی

۴۹ در بیت زیر منظور از «دریای خون» چیست؟

«در آن دریای خون، در دشت تاریک به دنبال سر چنگیز می‌گشت»

۵۰ شاعر در بیت زیر چه کاری را توصیه می‌کند؟

«به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد»

۵۱ کدام یک از مفاهیم زیر از بیت مقابل دریافت نمی‌شود؟

- بدان شمشیر تیز عافیت‌سوز
الف) تیزی شمشیر (ب) پرشماری حریف (ج) دلاوری فرمانده (د) وحشی‌گری دشمن

۵۲ با توجه به بیت زیر، «ثروتمندان و فقیران» چه کاری باید انجام دهند؟

«گرت ز دست بر آید چو نخل باش کریم ورت ز دست نیاید، چو سرو باش آزاد»

۵۳ با توجه به درس «در امواج سند»، چنگیز کدام عمل جلال‌الدین را تحسین کرد؟

۵۴ با توجه به درس «در امواج سند»، جلال‌الدین در سرخی شفق چه چیزهایی را دید؟

۵۵ شاعر در دو بیت اول شعر «در امواج سند»، غروب خورشید را به تصویر کشیده است، این غروب بیانگر چیست؟

۵۶ پیام اصلی درس «در امواج سند» چیست؟

۵۷ ابیات زیر را به فارسی روان برگردانید.

ز رخسارش فرو می‌ریخت اشکی بنای زندگی بر آب می‌دید

در آن سیماب‌گون امواج لرزان خیال تازه‌ای در خواب می‌دید

۵۸ عبارات زیر معرف کدام قالب شعری است؟

«قالب شعری را گویند که از چند بند هم‌وزن و هم‌آهنگ تشکیل شده است. هر بند آن شامل چهار مصراع است. مصراع‌های زوج آن هم‌قافیه‌اند.»

۵۹ مفهوم بیت «به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی / پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد» بر چه امری تکیه دارد؟

۶۰ بیت زیر را به فارسی روان برگردانید.

«گرت ز دست بر آید، چو نخل باش کریم ورت ز دست نیاید، چو سرو باشد آزاد»

۶۱ بیت زیر را به فارسی روان برگردانید.

«به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد»

۶۲ ابیات زیر را به نثر روان برگردانید.

«نهان می‌گشت روی روشن روز به زیر دامن شب در سیاهی

در آن تاریک شب می‌گشت پنهان فروغ خرگه خوارزمشاهی

۶۳ ابیات زیر را به نثر روان برگردانید.

«به مغرب سینه‌مالان قرص خورشید نهان می‌گشت پشت کوهساران

فرو می‌ریخت گردی زعفران رنگ به روی نیزه‌ها و نیزه‌داران»

۶۴ محتوای شعر «در امواج سند» چیست؟

الف) غارت سرمایه‌های فرهنگی و ادبی در دوران حمله مغول به ایران

ب) ترسیم شهامت و پایداری جلال‌الدین خوارزمشاه در برابر هجوم مغولان

۶۵ نحوه قرار گرفتن قافیه‌ها در چهارپاره را به کمک شکل نشان دهید.

۶۶ با توجه به دو بیت زیر به سؤالات زیر پاسخ دهید.

«چه اندیشید آن دم، کس ندانست که مژگانش به خون دیده تر شد

چو آتش در سپاه دشمن افتاد ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد»

الف) در بیت اول «کنایه» را نشان دهید و مفهوم آن را بنویسید.

ب) در بیت دوم «تشبیه»، «مشبّه‌به» و «وجه شبه» را نشان دهید.

پ) این سروده درباره چه کسی است؟ (با توجه به شعر «در امواج سند»)

۶۷ جاهای خالی را با واژگان مناسب کامل کنید.

الف) از چند بند هم‌وزن و هم‌آهنگ تشکیل می‌شود و هر بند شامل چهار مصراع است.

ب) چهارپاره بیشتر برای طرح مضامین و به کار می‌رود.

۶۸ ابیات زیر را معنا کنید.

الف

به زیر باره می‌نالید از درد

سوار زخم‌دار نیم‌مرده

ب

به خوناب شفق در دامن شام

به خون آلوده، ایران کهن دید

پ

چه اندیشید آن دم، کس ندانست

که مژگانش به خون دیده تر شد

ت

بدان شمشیر تیز عافیت‌سوز

در آن انبوه، کار مرگ می‌کرد

ث

میان موج می‌رقصید در آب

به رقص مرگ، اخترهای انبوه

ج

خروشان، ژرف، بی‌پهنا، کف‌آلود

دل شب می‌درید و پیش می‌رفت

چ

دمار از جان این غولان کشم سخت

بسوزم خانمان‌هاشان به شمشیر

۶۹ مفهوم ابیات زیر را بنویسید.

الف

فرو می‌ریخت گردی زعفران‌رنگ

به روی نیزه‌ها و نیزه‌داران

ب

در آن باران تیر و برق پولاد

میان شام رستاخیز می‌گشت

پ

به رود سند می‌غلتید بر هم

ز امواج گران، کوه از پی کوه

ت

از این سدّ روان، در دیده شاه

ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت

ث

شبی را تا شبی بالشکری خُرد

ز تن‌ها سر، ز سرها خُود افکند

ج

به یاری خواهم از آن سوی دریا

سوارانی زره‌پوش و کمان‌گیر

چ

ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک

خدا داند چه افسرها که رفته!

۷۰ عبارات و ابیات زیر را به نثر روان بازگردانی کنید.

الف

در آن دریای خون در قرص خورشید

غروب آفتاب خویشتن دید

ب

چو آتش در سپاه دشمن افتاد

ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد

پ

در آن دریای خون در دشت تاریک

به دنبال سر چنگیز می‌گشت

ت

از این سَد روان در دیده شاه ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت

ث

شبی را تا شبی با لشکری خُرد ز تن‌ها سر، ز سرها خُود افکند

ج

به فرزندان و یاران گفت چنگیز که «گر فرزند باید، باید این‌سان»

چ

سرو را هیچ از این نیست و همه وقتی خوش است و این است صفت آزادگان.

۷۱

ایات زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید.

«به پیش دشمنان استاد و جنگید شبی را تا شبی با لشکری خُرد
رها‌ند از بند اهریمن، وطن را ز تن‌ها سر، ز سرها خود افکند»

الف

منظور از «اهریمن» چیست؟

ب

عبارت «ز سرها خود افکند» چه مفهومی دارد؟

۷۲

قسمت مشخص شده در هر بیت چه مفهومی دارد؟

الف

چه اندیشید آن دم، کس ندانست که مژگانش به خون دیده تر شد

ب

ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت دو چندان می‌شکفت و برگ می‌کرد

۷۳

معنی ایات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف

میان موج می‌رقصید در آب به رقص مرگ اخترهای انبوه
«نعره‌های درهم شترهای حامل زنبورک، با آهنگ شیپورها در هم می‌آمیخت،»

۷۴

اشعار و عبارات زیر را به نثر ساده و روان برگردانید.

الف

چو کشتی، بادپا در رود افکند

۷۵

معنی عبارات و ایات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف

چو لشکر گرد برگردش گرفتند چو کشتی، بادپا در رود افکند!

۷۶

با توجه به متن زیر، چرا به «سرو» لقب «آزاد» داده‌اند؟

«در درختی را ثمره معین است که به وقتی معلوم، به وجود آن تازه آید و گاهی به عَدَم آن پژمرده شود و سرو را هیچ از این نیست و همه وقتی خوش است،»

۷۷

منظور از «بادپا» در بیت

«چو لشکر گرد برگردش گرفتند چو کشتی بادپا در رود افکند»

چیست؟

۷۸

در بیت

به فرزندان و یاران گفت چنگیز که گر فرزند باید، باید این‌سان

چنگیز چه کسی را ستایش می‌کند؟

۷۹

قالب شعر «در امواج سند» چیست؟

۸۰

چهارپاره را تعریف کنید.

تاریخ ادبیات

۸۱) جاهای خالی را پر کنید.

- الف) متن «گلستان» سعدی به و است.
 ب) سرایندهٔ بیت «در ره عشق وطن از سر جان خاسته‌ایم / تا در این ره چه کند همت مردانهٔ ما، است.
 پ) شعر «در امواج سند» اثر و قالب شعری آن است.
 ت) رواج «چهارپاره» از دورهٔ بوده و تاکنون ادامه یافته است.

۸۲) درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را تعیین کنید.

الف) هر سه شاعر (فریدون مشیری / ملک الشعرای بهار / فریدون توللی) چهارپاره‌سرا هستند.

۸۳) به ترتیب شعر «در امواج سند» و کتاب «گلستان» را چه کسانی پدید آورده‌اند؟

۸۴) نام سه شاعر را که در قالب چهارپاره شعر سروده‌اند، بنویسید.

درس پنجم: آغازگری تنها واژگان

۸۵) هریک از واژه‌های مشخص‌شده را معنا کنید.

الف) مشاهدهٔ لحظه‌های ناب و توفندگی فرزندان میهن، عباس جوان را به وجد می‌آورد.
 ب) نگاه‌های فزون‌خواهانه و دهشت‌بار روس‌ها به فراتر از اینها دوخته شده بود.

۸۶) واژه‌های مشخص‌شده را معنا کنید.

الف) تحت‌الحمایگی گرجستان نشان از به هم خوردن توازن قوای دو کشور همسایه بود.
 ب) بزرگان طوایف و ولایات برای رسیدن به شاهی به جان همدیگر افتاده بودند.
 پ) سپیدهٔ فردای گنجه با نهیب و صفیر گلوله‌های توپ روس باز شد.

۸۷) معنای لغات مشخص‌شده را بنویسید.

الف) باید با حرکات دست و پا و چشم، آن هم به صورت موزون، محتوای مقاله را ارائه داد.
 ب) شاگردانم موفق شدند به آسانی و راحتی قرآن و نهج‌البلاغه بخوانند.
 پ) البته دکلمه‌خوانی ظرافت‌های خاص خود را داشت.

۸۸) معنای هریک از واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

الف) هرگز بار خفت و خوفی به دوش نکشیدید.
 ب) دشمن همیشه در کشور ما زبون است.

۸۹) در عبارات زیر واژه‌های مشخص‌شده را معنا کنید.

الف) دلاوری‌ها و جان‌فشانی‌های سربازان فداکار، دشمن را هم به تحسین و اعجاب واداشت.
 ب) دیری نگذشت که پرچم روس‌ها در خاک آغشته به خون بی‌گناهان به اهتزاز درآمد.

۹۰) معنای واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

الف) صداها و نعره‌های درهم شترهای حامل زنبورک با آهنگ شیپورها درمی آمیخت.
 ب) مراسم آن سال تنها لُعابی از تشریفات به رو داشت.

۹۱) در عبارت زیر معنای واژگان مشخص‌شده را بنویسید.

الف) شهر عرصهٔ روز محشر را به خاطر آورد.
 ب) گنجه با واپسین رمق‌هایش، زیر سقفی از دود و غبار نفس می‌کشید.

۹۲) کلمات ستون اول را به معادل آن در ستون دوم وصل کنید.

الف	ب
ترجیح	فساد
نهج	برابری
توازن	بینی
تباهی	برتری
مشام	روش

۹۳) در عبارت زیر معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) ملت‌ها و قبایل مختلف بوی پیشرفت اروپا به مشامشان نرسیده بود.

ب) نوجوانی، میان‌بالا، رعنا، سوار بر اسبی سینه‌فراخ، به پیشاپیش سپاه خود حرکت می‌کرد.

۹۴) در بیت زیر معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

الف) چون شیر به خود سپه‌شکن باش
فرزند خصال خویشان باش

۹۵) در ابیات و عبارت زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) بال بگشا و صفیر از شجر طوبی زن

ب) کمال حسن تدبیرش چنان آراست عالم را که تا دور ابد بر او بسی حسن و ثنا آمد

۹۶) در ابیات و عبارت زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) کورسویی ز چراغی رنجور
قصه‌پرداز شب ظلمانی است

ب) سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد
دلبر که در کف او موم است سنگ خارا

۹۷) معادل واژه‌های «اندرزگوی» و «مقصود و هدف» در کدام ابیات وجود دارد؟

الف) ارغنون ساز فلک رهن اهل هنر است
چون از این غصه ننالیم و چرا نخروشیم

ب) برو ای واعظ و بر دُرْدکشان خرده مگیر
که نداند جز این تحفه به ما روز آست

ج) دفتر صوفی سواد حرف نیست
جز دل اسپید همچون برف نیست

د) غرض کرشمه حسن است ورنه حاجت نیست
جمال دولت محمود را به زلف ایاز

ه) گل، یار حُسن گشته و بلبل قرین عشق
این را تفضلی نه و این را تبدلی

۹۸) معادل واژگانی «غیرت» در کدام یک از ابیات زیر وجود دارد؟

الف) رقییم سرزنش‌ها کرد و جای آشتی نگذاشت
مگر آه سحرخیزان سوی گردون نخواهد شد

ب) جای آن است که خون موج زند در دل لعل
زین تغابن که خذف می‌شکند بازارش

ج) درد حق گر دامن جان گیردت
این تعصب کی گریبان گیردت

۹۹) در عبارات زیر معنای لغات مشخص شده را بنویسید.

الف) در شرایط سخت و طاقت‌فرسای اسارت باید کاری می‌کردیم.

ب) دوست نداشتیم از بچه‌ها فاصله بگیرند یا احساس طرد شدن کنند.

۱۰۰) هریک از لغات مشخص شده را معنا کنید.

الف) کورسویی از امید در دلشان پیدا نبود.

ب) شاید در بعضی از موارد حق داشتند منزوی شوند.

۱۰۱) هریک از لغات مشخص شده را معنا کنید.

الف) به هر حال همیشه افراط و تفریط‌های بعضی‌ها، مشکلاتی ایجاد می‌کرد.

ب) این تعداد اندک آیه یا س می‌خواندند.

پ) از طبع شعر هم برخوردار بودم.

۱۰۲) هریک از واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) روز آخری مراسم مفصلی گرفتیم.

ب) آقای شایق، از بچه‌های یزد، روحانی بود.

۱۰۳ واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) سربازانی که اسب و تفنگ نداشتند، مشتاقانه و مصمم قدم برمی‌داشتند.
ب) شور جنگ و دفاع در دل‌ها تنوره می‌کشید.

۱۰۴ عبارت زیر معادل کدام یک از واژه‌های درس است؟

«حمیت مُحَبَّ است بر طلب قطع تعلق نظر غیر از محبوب و محبوب از غیر.»

۱۰۵ معادل واژه «وجد» در کدام یک از ابیات زیر وجود دارد؟

الف) گرچه بی‌سامان نماید کار ما سهلش مبین
ب) غرض کرشمه حُسن است ورنه حاجت نیست
ج) می‌خورم جام غمی هر دم به شادی رُخت
کاندرین کشور گدایی رشک سلطانی بود
جمال دولت محمود را به زلف ایاز
خرم آن کس کاو بدان غم شادمانی می‌کند

۱۰۶ معنی واژگان مشخص شده را با توجه به ابیات و عبارات زیر بنویسید.

الف) در آستانه در مثل مار چنبره زد.

۱۰۷ معنای واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف) نوجوانی میان‌بالا با بر و بازویی خوش تراش.

ب) عباس میرزا را راهی دارالسلطنه تبریز کرده بود.

پ) بی‌اذن و خواست او دست به کاری نمی‌زد.

ت) دربار از درون در تب و تاب و التهاب بود.

ث) فکر حمله روس، بختک‌وار روی دربار چنبره زده بود.

ج) مشاهده صحنه‌های ناب، عباس جوان را به وجد می‌آورد.

چ) در جبهه بیرون شجاعت کارسازتر است و در این یک، درایت.

۱۰۸ معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

الف) نوجوان بود میان‌بالا با بر و بازویی خوش تراش و رعنا.

ب) عباس میرزا را با اعطای نشان ولایتعهدی، راهی دارالسلطنه تبریز کرده بود.

پ) در امتداد نگاه متفکرش کشش می‌دید.

ت) افق‌های روشن تدبیر مُلک را در چشمانش می‌خواند.

ث) مجهز به توپ و تفنگ بودند.

ج) دیارشان را تصرف کردند.

چ) رقابت شاهدگان در تقدیم هدایا، جلوه‌هایی از این بساط نوروزی بود.

ح) در امتداد نگاهش افق‌های روشن تدبیر مُلک و رعیت‌پروری را می‌خواند.

خ) شهرها تسخیر شده بودند.

د) بستر فوران خشم و آز بود.

ذ) گنجه با واپسین رمق‌هایش، زیر سقفی از دود و غبار نفس می‌کشید.

ر) در فاصله‌ای کوتاه‌تر از موعد پیش‌بینی شده خود را به رود ارس رساند.

ز) فرصت بده ای روح جنون تا غزل بعد

ژ) آن کشور، نامنسجم و دچار اختلافات داخلی بود.

س) همچون معبدی که بر فراز تپه‌ای جلوه‌گری کند.

ش

درد را منکر طرب را شایق است

تا گریزد هر که او نالایق است

ص باید کشور را از وجود اجنبی پاک کنیم.

۱۰۹ با توجه به معانی داده شده، یک واژه مناسب از متن درس «آغاز گری تنها» بیاورید.

الف از حد درگذشتن:

ب حلقه زدن، به صورت خمیده و حلقه وار جمع شدن:

پ مجموعه شهرهایی که تحت نظر والی اداره می شود:

ت نوعی توپ جنگی کوچک دارای دو چرخ که در زمان صفوی و قاجاریه روی شتر می بستند:

ث ویژگی کشور، سرزمین یا فردی است که معمولاً به موجب پیمانی با یک کشور نیرومند تحت حمایت او درمی آید:

ج محل اقامت پادشاه:

۱۱۰ معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.

الف صدا و ناله درهم شترهای حامل زنبورک با آهنگ شیپور و طبل های جنگی درهم می آمیخت.

۱۱۱ هم آوای کلمه «صفیر» را بنویسید و آن را در جمله ای به کار ببرید.

۱۱۲ در گروه کلمات زیر املاي چند واژه نادرست است؟

«اهتزاز پرچم - حامل زنبورک - تصرف دیار - خشم و آز - نهیب و سفیر - قرض و مقصود - غالباً پیروز - تبع شعر - مراسم مفصل بر گذار کردن - ترجیح و برتری»

۱۱۳ چهار «ترکیب اضافی» که اهمیت املاي داشته باشند، از متن درس «آغاز گری تنها» انتخاب کنید.

۱۱۴ هم آوای کلمات زیر را همراه با معنا بنویسید.

الف صفیر:

ب حیاط:

پ انتصاب:

ت تألم:

ث خوان:

۱۱۵ املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف پرچم روس ها در خاک آغشته به خون بی گناهان به (احتزاز - اهتزاز) درآمد.

۱۱۶ در هر عبارت املاي یک واژه نادرست است؛ شکل صحیح آن را بنویسید.

الف سپیده فردای گنجه با نحیب و صفیر گلوله های توپ روس، باز شد.

۱۱۷ غلط های املاي متن زیر را مشخص کرده و درست آنها را بنویسید.

«نکته جالب تر اینکه سلیب سرخ، تمام نیازهای آموزشی آنها را تعمین می کرد؛ هر کتابی درباره آن زبان می خاستند، برایشان می آورد. دعا خواندن در آسایشگاه ها ممنوع بود. اگر بعضی ها می فهمیدند در آسایشگاهی دعا خوانده می شود، همه را زندانی می کردند و بچه ها اجازه بیرون آمدن از آسایشگاه نمی دادند.»

۱۱۸ نادرستی های املاي را بیابید و تصحیح کنید.

«دارالسلطنه، اعطای نشان ولایتعهدی، نیروی دریایی عظیم، التهاب، صلاح های پیشرفته، تحت الحمايگی، نگاه فزون خواهانه، چشم ناظران، پستی و زبونی، زندان موصل، رغبت و انگیزه، زوق و شوق»

دستور

۱۱۹ در متن زیر چند «شاخص» وجود دارد؟

«استاد علامه سید محمدحسین طباطبایی از علمای برتر حوزه علمیه قم بود. وی صاحب تفسیر ارزشمند «المیزان» است. علامه خطی خوش داشت و اشعار

عرفانی می سرود»

۱۲۰ در کدام بیت «شاخص» وجود دارد؟

- الف) به میخانه امامی مست خفته است
ب) ز کوی میکده دوشش به دوش می‌بردند
پ) چنین شد در ایام سلطان عادل
ت) تابک ابوبکر بن سعد زنگی

۱۲۱ در میان واژه‌های زیر چند واژه جمع مگسر است؟

«طوایف - قوم - غرایب - احادیث - خواص مردم - ادعیه - مقالات - نبوغ»

۱۲۲ در عبارات زیر نوع وابسته‌های پیشین را مشخص کنید.

الف) لازمه حضور در هر دو جبهه، عشق است.

ب) متوجه شدم چند نفر در اردوگاه سواد چندانی ندارند.

۱۲۳ وابسته‌های پیشین را بیابید و نوع آنها را مشخص کنید.

الف) پیش‌بینی نتیجه چنین برخوردی هم دشوار به نظر نمی‌رسید.

ب) با این وصف، شکست ما هیچ جای شگفتی نداشت.

۱۲۴ در عبارات زیر نوع وابسته‌های پیشین را مشخص کنید.

الف) در این فاصله اروپا قدم‌های بزرگی برای پیشرفت برداشته است.

ب) در ایران آن روز دو دربار بود دربار بزم و دربار رزم.

۱۲۵ با توجه به عبارت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

وقتی کدخدا مراد رسید، طوبا گفت: «گاو مشدی حسن دیشب مرده.» او آجرها را از سوراخ دیوار طویله برداشت.

الف) یک «شاخص» پیدا کنید. ب) کدام واژه «مضاف‌الیه» است؟

۱۲۶ واژه‌های زیر را یک بار به عنوان «شاخص» و بار دیگر به عنوان «هسته» گروه اسمی در جمله به کار ببرید.

■ سرهنگ:

■ سید:

۱۲۷ در کدام بیت تعداد وابسته‌های پیشین بیشتر است؟

الف) قدر آن خاک ندارم که برو می‌گذری
ب) بگفت: او آن من شد زو مکن یاد

بگفت این کی کند بیچاره فرهاد

۱۲۸ در ابیات زیر نوع وابسته پیشین را مشخص کنید.

الف) به حسن دلبر من هیچ در نمی‌یابد
ب) آخر ای مطرب ازین پرده عشاق بگرد

چند گویی، که مرا پرده به چنگ تو درید

۱۲۹ تعداد وابسته پیشین در کدام گزینه بیشتر است؟

الف) روزی چو پادشاهان، خواهم که بر نشینی
ب) به کسی نمی‌توانم که شکایت از تو خوانم

تا بشنوی ز هر سو، فریاد دادخواهی
همه جانب تو خواهند و تو آن کنی که خواهی

۱۳۰ در همه عبارات زیر «شاخص» وجود دارد به جز عبارت

الف) سید اشرف‌الدین گیلانی را مردم به نام نسیم شمال می‌شناسند.

ب) سجده شکر کرد خدای را عزوجل بر سلامت امیر و نامه نبشته آمد.

پ) حسنگ گفت: به روزگار سلطان محمود، این مرد بر در سرای من ایستاده است.

۱۳۱ واژه «استاد» در کدام جمله، شاخص است؟

الف) استاد محترم ادب فارسی در نمایشگاه مطبوعات بود.

ب) کتابخانه استاد حسین بهزادی بسیار پر بار است.

۱۳۲ در هر یک از عبارات زیر هسته گروه اسمی و نوع وابسته پیشین را مشخص سازید.

الف) او در چشم‌های درشت، سیاه و گیرای عباس، یک جهان، معنی می‌دید.

ب) یک قرن بیشتر است که اختلافات و جنگ‌های داخلی مثل کاردی بر پهلوی این کشور نشسته است.

۱۳۳ در متن زیر چند وابسته پیشین وجود دارد؟

«آن شب، آخرین شب شهیدان بود تا کم کم سپیده آشنا که در تهجدها دمیدنش را دیده بودند دمید و همان خورشید از کرانه افق شرقی دمید.»

۱۳۴ در متن زیر، وابسته‌های پیشین را بیابید و نوع آنها را مشخص کنید.

«هرچه زمان می‌گذشت، تلاش من برای آموزش این چند اسیر، جدی‌تر می‌شد. رغبت آنها زمانی افزون‌تر شد که آرام‌آرام خواندن قرآن و نهج‌البلاغه را شروع کردند.»

۱۳۵ جمع مکسر واژه‌های زیر را بنویسید.

«هدیه، معبد، جسد، نفس، موج، نتیجه، قرن، فکر»

۱۳۶ در بیت زیر چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

«سوار عقل که باشد که پشت ننماید؟ در آن مقام که سلطان عشق روی نمود؟»

۱۳۷ در بیت زیر چند «ترکیب وصفی و اضافی» وجود دارد؟

«هزار سرو خرامان به راستی نرسند به قامت تو دگر سر بر آسمان ساینند»

۱۳۸ در متن زیر کدام واژه‌ها «شاخص» محسوب می‌شوند؟

«برادرم آقا سید میرزا رضا شاگرد میرزای کلهر بود و هر روز پیش او مشق می‌کرد. میرزا گاه‌گاهی به خانه ما می‌آمد و با پدرم انس و مصاحبتی داشت. آمدن میرزا به خانه ما نعمتی بود.»

۱۳۹ در کدام بیت وابسته پیشین دیده نمی‌شود؟

الف) فدای جان تو گر جان من طمع داری غلام حلقه به گوش آن کند که فرماید

ب) می‌ندانم خطر دوزخ و سودای بهشت هر کجا خیمه زنی اهل دل آنجا آیند

۱۴۰ در هریک از ابیات زیر نوع وابسته پیشین را مشخص کنید.

الف) صد نعره همی‌آیدم از هر بن مویی خود در دل سنگین تو نگرفت سر موی

ب) ای هر دو دیده، پای که بر خاک می‌نهی آخر نه بر دو دیده من، به که خاک راه؟

۱۴۱ در جمله زیر، یک شاخص پیدا کنید.

«سید جواد و کدخدا وضعیت منابع آبی روستا را به مهندس کشاورزی گزارش دادند.»

۱۴۲ در متن زیر چند «صفت پیشین» وجود دارد؟

«پایه دوم را پس از وقفه کوتاهی با همان جمع دوستان شروع کردم. مثلاً حساب و جدول ضرب را در پایه‌های سوم، چهارم و پنجم به مرور به آنها یاد دادم.»

۱۴۳ درباره کاربرد و تفاوت معنایی فعل «گشت» در بیت‌های زیر توضیح دهید.

به مغرب سینه‌مالان قرص خورشید نهان می‌گشت پشت کوهساران

در آن باران تیر و برق پولاد میان شام رستاخیز می‌گشت

۱۴۴ تفاوت نقش دستوری واژه «شاه» را در عبارت‌های زیر بنویسید.

الف) سران کشور و در رأسش فتحعلی شاه در فکر تدارک سپاه برای مقابله با دست‌اندازی‌های روس‌ها بودند.

ب) عباس میرزا خود را برای شرکت در مراسم سلام نوروزی شاه، به تهران رسانده بود.

۱۴۵ واژه «استاد» در کدام گزینه شاخص است؟

الف) استاد معین، فرهنگ فارسی را نوشت. ب) ایشان استاد زبان و ادبیات فارسی هستند.

ج) کتاب استاد مطالب مفیدی دارد. د) این استاد از استادان شاخص می‌باشند.

۱۴۶ متن «آغازگری تنها» و «تا غزل بعد» را از نظر زاویه دید و شخصیت‌های اصلی مقایسه نمایید.

۱۴۷ در کدام بیت تعداد وابسته‌های پیشین بیشتر است؟

الف) هرگز آن دل بنمیرد که تو جاننش باشی نیکخت آن که تو در هر دو جهاننش باشی

ب) به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی به صد دفتر نشاید گفت حسب‌الحال مشتاقی

۱۴۸ در کدام جمله وابسته پیشین اسم، «شاخص» نامیده می‌شود؟

الف) ستوان علوی فرماندهی عملیات سپاه را به عهده گرفت.

ب) عموی علی، خانه خود را اجاره داد.

۱۴۹ در کدام عبارت «شاخص» یافت می‌شود؟

الف) از قضای آمده پس از نماز امیر کشتی‌ها بخواست و ناوی ده بیاوردند.

ب) روز دوشنبه امیر مسعود برنشست و به کران رود هیرمند رفت.

۱۵۰ در متن زیر وابسته‌های پیشین را بیابید و نوع آنها را مشخص سازید.

«شغلم معلّی بود و به همین دلیل تمام توانم را برای آموزش خواندن و نوشتن آن، با شیوه‌ای درست به کار بستم. کار بسیار مشکلی بود، هیچ متنی در دست نداشتم، حتی اگر یک جلد کتاب کلاس اول دبستان در اختیارم بود خیلی زود به هدفم می‌رسیدم؛ اما نبود!»

۱۵۱ در عبارت زیر، یک شاخص پیدا کنید و آن را بنویسید.

«کدخدا برای رسیدگی به مشکلات روستا با سید محمد و میرزا رضا گفت‌وگو کرد.»

۱۵۲ در عبارت «کدخدا صدای پای اصلاّن را شنید و گفت: «من و سید احمد، مشدی رو می‌بریم شهر» کدام واژه شاخص است؟

۱۵۳ در هریک از عبارت‌های زیر، ترکیب‌های وصفی را پیدا کنید.

الف) دانشگاه‌های بزرگ بر پا کردند از همه مهم‌تر، نیروی دریایی عظیمی ترتیب دادند و کشتی‌ها و جهانگردهایشان را به دورترین نقاط جهان فرستادند.

ب) مراسم آن سال با رسیدن خبر تحرّک روس‌ها در شمال آذربایجان و گرجستان، تنها لُعابی از تشریفات به رو داشت.

پ) نیروهای آماده در تبریز جمع شده بودند.

ت) اگر جنگ چیزهای ارزشمندی را از ما گرفت، در مقابل، درهایی را به روی ما گشود.

۱۵۴ با توجه به عبارت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

نایب‌السلطنه رو کرد به حاضران و گفت: «افسران و فرماندهان شجاع، هم‌سنگران و یاران عزیز، دلاوری‌ها و جان‌فشانی‌های سربازان فداکار و شما افسران عزیز، دشمن را به تحسین و اعجاب واداشت،»

الف) چند منادا در عبارت بالا وجود دارد؟

ب) یک نقش تبعی پیدا کنید و نام آن را بنویسید.

پ) نام اجزای اصلی جمله آخر را بنویسید.

ت) یک ترکیب وصفی نشان دهید.

ث) نوع و نام وابسته‌های مشخص شده را بنویسید.

۱۵۵ نقش دستوری هر یک از واژه‌های زیر را بنویسید.

الف) علامه دهخدا، نوشته‌هایی با موضوع طنز اجتماعی دارد.

ب) عموی احمد، دیروز به سفر رفته است.

۱۵۶ نقش واژه «مهندس» در هر یک از جملات زیر را بنویسید.

الف) مهندس فرامرزی، یک شرکت عمرانی تأسیس کرد.

ب) داود فرامرزی مهندس مکانیک شرکت ایران خودرو است.

پ) کار مهندس در شرکت رو به اتمام است.

۱۵۷ ترکیب‌های «وصفی و اضافی» زیر را مشخص کنید.

الف) صدای مهیب:

ب) نعره‌های درهم:

پ) سران کشور:

ت) دیدگان تر:

۱۵۸ در بیت‌ها و جمله‌های زیر، هسته و نوع وابسته گروه‌های اسمی مشخص شده را بنویسید.

الف)

او رفت و جانم می‌رود، تن جامه بر خود می‌درد سلطان چو خوابش می‌برد، از پاسبانانش چه غم

ب

چون شیر به خود سپه‌شکن باش

فرزند خصال خویشتن باش

پ

روز دوشنبه امیرمسعود شبگیر، برنشست و به کران رود هیرمند آمد.

ت

ستوان فلّاحی، فرماندهی عملیات را به عهده گرفت.

۱۵۹

در عبارت «با کشته شدن آغامحمدخان، فتحعلی‌شاه بر تخت نشست. شاهزاده نوجوان، میرزا عیسی قائم مقام را نه تنها وزیر خردمند، بلکه مرشد و پدر معنوی خود می‌دانست و بی‌اذن و خواست او دست به کاری نمی‌زد،

الف

مرجع ضمیر «او» در جمله آخر، کدام واژه است؟

ب

یک وابسته پیشین در جمله دوم پیدا کرده و نوع آن را بنویسید.

۱۶۰

درستی یا نادرستی هر عبارت را مشخص کنید.

الف

نقش دستوری واژه مشخص شده در عبارت زیر «قید» است.

«شما جنگاوران سرافراز، در طول سال‌های دفاع، شجاعانه و مخلصانه جنگیدید.»

۱۶۱

در متن زیر «وابسته‌های پیشین» را مشخص کنید.

«در این کار از مشاوره با معلم هم‌آسایشگاهی‌ام، عباس درمان و شخصیت دانشمند و فرزانه، حاج آقا کرامت شیرازی بهره بردم و آنها دریغ نکردند. ایام خوبی بود.»

۱۶۲

واژه «سلطان» را در دو جمله طوری به کار ببرید که یک بار «شاخص» و بار دیگر هسته گروه اسمی باشد.

۱۶۳

شاخص‌ها را در عبارت زیر نشان دهید.

الف. این زرها را سلطان محمود به غزو از هندوستان آورده است.

ب. دایی غلام‌رضا در تجدّد افراط داشت.

آرایه‌های ادبی

۱۶۴

در عبارت زیر آرایه‌های «کنایه و مجاز» را بیابید.

«تبریز، مرکز فرماندهی خطّ مقدم دفاع در برابر دست‌درازی همسایه شمالی، یعنی روسیه بود.»

۱۶۵

در عبارت زیر آرایه‌های «تشبیه و کنایه» را بیابید.

«عباس میرزا پیشاپیش سپاه، سوار بر اسبی کوه‌پیکر و چابک، همچون معبدی که بر فراز تپه‌ای جلوه‌گری کند، دل از ناظران می‌برد.»

۱۶۶

مفهوم عبارات کنایی زیر را بنویسید.

الف) جیک هیچ‌کس در نمی‌آمد. ب) فرزند خصال خویشتن باش پ) آیه یأس خواندن

۱۶۷

در عبارت زیر آرایه‌های «مجاز، کنایه و استعاره» را بیابید.

«چهره‌هایی که از خبر حمله روس در هم رفته بود، با تماشای شکوه سپاه، شکفته شد.»

۱۶۸

عبارات کنایی زیر را معنا کنید.

الف) چنبره زدن بر چیزی ب) در دل کسی جا باز کردن پ) پابه پای کسی بودن

۱۶۹

در عبارت زیر آرایه‌های «کنایه و مجاز» را بیابید.

«در این فاصله، اروپا قدم‌های بزرگی برای پیشرفت برداشته است.»

۱۷۰

در بیت چند تشبیه وجود دارد؟ ارکان هر تشبیه را مشخص کنید.

«گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد»

۱۷۱ برای هریک از آرایه‌های زیر، نمونه‌ای از بند هشتم درس «آغازگری تنها» (مردم با سنگ پاره ...) انتخاب کنید و بنویسید.

آرایه ادبی	نمونه
تشبیه	
کنایه	
تشخیص	

۱۷۲ در ابیات زیر سه عبارت کنایی بیابید.

«به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی
گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم
پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد
ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد»

۱۷۳ شاعر در ابیات زیر چند بار از آرایه استعاره بهره برده است؟

«به خوناب شفق در دامن شام
در آن دریای خون، در قرص خورشید
به خون آلوده ایران کهن دید
غروب آفتاب خویشتن دید»

۱۷۴ در هریک از ابیات زیر آرایه‌های خواسته شده را بیابید.

الف) نهان می‌گشت روی روشن روز
ب) فرو می‌ریخت گردی زعفران رنگ
به زیر دامن شب در سیاهی (تشخیص - استعاره)
به روی نیزه‌ها و نیزه‌داران (تشبیه - استعاره)

۱۷۵ مفهوم کنایه‌های به‌کاررفته در عبارت‌های زیر را بنویسید.

- الف) آفتاب داشت تیغ می‌کشید.
ب) چهره‌هایی که از خبر حمله روس در هم رفته بود.
پ) پاره‌های تن خود را از دست دادند.
ت) شور جنگ و دفاع در دل‌ها تنوره می‌کشید.
ث) ابرو در هم می‌کشید.
ج) همان‌گونه سر به کار خود داشتند.
چ) سینه‌ها را سپر گلوله‌های آتشین ساختند.
ح) به صف آتش دشمن زد.
خ) صدای مهیب توپ‌ها و گلوله‌های دشمن، ما را از خواب قرن‌ها بیدار کرد.
د) موج‌های سنگین و افسارگسیخته ارس در برابر سپاه ایستاد.
ذ) عباس میرزا دل از ناظران می‌برد.
ر) دره‌ایی را به روی ما گشود.
ز) با شیوه‌ای درست، به کار بستم.
ژ) خیلی چیزها را زیر پا می‌گذاشتند.

۱۷۶ در هریک از عبارات زیر آرایه نوشته شده را بیابید.

الف) کسی شکفتن صبحی چنین را باور نداشت. (استعاره)
ب) آفتاب داشت تیغ می‌کشید. (تشخیص)
پ) سینه‌ها را سپر گلوله‌های آتشین ساختند. (مجاز)

۱۷۷ در ابیات زیر آرایه‌های «تضاد، مراعات نظیر و مجاز» را بیابید.

«نهان می‌گشت روی روشن روز
در آن تاریک شب می‌گشت پنهان
به زیر دامن شب در سیاهی
فروغ خرگه خوارزمشاهی»

۱۷۸ در عبارت زیر، بهره‌گیری از کدام آرایه‌های ادبی بر زیبایی سخن افزوده است؟

«دو ایران آن روز، دو دربار بود! دربار بزم و دربار رزم؛ بزم پدر؛ رزم پسر!»

۱۷۹ در ابیات زیر آرایه‌های خواسته‌شده را بیابید.

الف) فرصت بده ای روح جنون تا غزل بعد / در غیرت ما نیست که در ننگ بمیریم (تضاد - تشخیص)

ب) آبی‌تر از آنیم که بی‌رنگ بمیریم / از شیشه نبودیم که با سنگ بمیریم (تضاد - کنایه)

۱۸۰ در عبارت زیر آرایه‌های «تناسب، مجاز و کنایه» را بیابید.

«ملت‌ها و قبایل مختلف که بوی پیشرفت به مشامشان نرسیده بود، با تیر و کمان و شمشیر از عهدهٔ مقابله با لشکر مجهّز به توپ و تفنگ آن برآیند.»

۱۸۱ در عبارت زیر آرایه‌های «تناسب و کنایه» را بیابید.

«نوجوانی میان‌بالا با برو بازویی خوش‌تراش و رعنا، سوار بر اسبی سینه‌فراخ، پیشاپیش سپاه خود حرکت می‌کرد.»

۱۸۲ دو آرایهٔ موجود در بیت زیر را بنویسید.

بید مجنون در تمام عمر، سر بالا نکرد
حاصل بی‌حاصلی نبود به جز شرمندگی

در مصراع اول آرایهٔ و در کل بیت آرایهٔ موجود است.

۱۸۳ در ابیات زیر آرایه‌های «تشبیه، کنایه، واج‌آرایی و مراعات نظیر» را بیابید.

«به خوناب شفق در دامن شام
به خون آلوده ایران کهن دید

در آن دریای خون در قرص خورشید
غروب آفتاب خویشتن دید»

۱۸۴ در ابیات زیر آرایه‌های «کنایه، ایهام تناسب، واج‌آرایی، جناس ناهمسان» را بیابید.

«نهان می‌گشت روی روشن روز
به زیر دامن شب در سیاهی

در آن تاریک شب می‌گشت پنهان
فروغ خرگه خوارزمشاهی»

۱۸۵ در هر یک از عبارت‌های زیر چه آرایهٔ ادبی بارزی دیده می‌شود؟

الف) سپاه روس مثل مور و ملخ در شهر پراکنده شدند.

ب) بزرگان طوایف برای کسب تاج شاهی به جان هم افتاده‌اند.

پ) دربار از درون در تب‌وتاب بود.

ت) گنج‌ها با واپسین رمق‌هایش، نفس می‌کشید.

قرابت معنایی

۱۸۶ ابیات زیر چه مفهوم مشترکی دارند؟

الف) از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق
روز اول، رنگ این ویرانه، ویران ریختند

ب) دانست که دل اسیر دارد
دردی نه دواپذیر دارد

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۱۸۷ از عبارت «فکر حملهٔ روس، بختک‌وار روی دربار چنبره زده بود»، چه مفهومی استنباط می‌شود؟

الف) پاسداری و حفاظت از میهن

ب) هراس و بیم از حملهٔ روس‌ها

۱۸۸ با توجّه به بیت زیر، شخصیت «عبّاس میرزا» را تحلیل نمایید.

«چون شیر به خود سپه‌شکن باش
فرزند خصال خویشتن باش» نظامی

۱۸۹ در عبارت زیر، مقصود نویسنده از قسمت‌های مشخص‌شده چیست؟

«مردمی که به خانه‌های تاریک و بی‌دریچه عادت کرده‌اند، از پنجره‌های باز و نورگیر گریزان هستند.»

۱۹۰ با توجه به درس «آغازگری تنها»، چه عاملی عبّاس میرزا را برای تحقّق آرمان‌های ملی، استوارتر و امیدوارتر می‌کرد؟

۱۹۱ با توجه به عبارات زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«اگر جنگ، چیزهای ارزشمندی را از ما گرفت، در مقابل درهایی را به روی ما گشود. صدای مهیب توپ‌ها و گلوله‌های دشمن، ما را از خواب قرن‌ها بیدار کرد.»

الف) منظور از «خواب» در عبارت «ما را از خواب بیدار کرد» چیست؟

ب) دو عبارت کنایی بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

۱۹۲ مفهوم کلی بیت زیر چیست؟

«فرصت بده ای روح جنون تا غزل بعد در غیرت ما نیست که در ننگ بمیریم»

۱۹۳ با توجه به عبارات زیر به سؤالات، پاسخ دهید.

«در ایران آن روز، دو دربار بود! دربار بزم و دربار رزم، بزم پدر، رزم پسر»

الف) منظور از «دربار بزم» و «دربار رزم» چیست؟

ب) نویسنده چه چیزهایی را مقایسه می‌کند؟

۱۹۴ منظور از «پاره‌های تن» در عبارت زیر چیست؟

«ما بسیاری از سرزمین‌های مادری و هم‌وطنان و پاره‌های تن خود را در این سال‌ها از دست داده‌ایم.»

۱۹۵ مفهوم عبارت «اجساد و زخمی‌های روس‌ها و مردم گنجه مثل برگ‌های خزان‌زده، زمین را پوشانده بود.» بر چه امری تأکید می‌کند؟

۱۹۶ مفهوم کدامیک از ابیات زیر «خودآگاهی» است؟

الف) آبی‌تر از آنیم که بی‌رنگ بمیریم از شیشه نبودیم که از سنگ بمیریم

ب) چون شیر به خود سپه‌شکن باش فرزند خصال خویشتن باش

۱۹۷ عبارت زیر به کدامیک از ویژگی شاهزادگان قاجاری می‌پردازد؟

«رقابت شاهزادگان در تقدیم هدایا و تلاششان برای باز کردن جای بیشتر در دل پدر، جلوه‌هایی از این بساط نوروزی بود.»

۱۹۸ مقصود شاعر از قسمت مشخص شده چیست؟

«فرصت بده ای روح جنون تا غزل بعد در غیرت ما نیست که در ننگ بمیریم»

الف) درخواست یک شعر دیگر ب) درخواست فرصت کوتاه

۱۹۹ با توجه به عبارت زیر، سه خصلت و توانایی عباس‌میرزا را بنویسید.

«او در چشم‌های درشت، سیاه و گیرا عباس‌میرزا، یک جهان، معنی و کشش می‌دید و در امتداد نگاه متفکرانه‌اش، افق‌های روشن تدبیر مُلک و رعیت‌پروری را می‌خواند.»

۲۰۰ در متن «تا غزل بعد ...»، از چه راهکارهایی در رویارویی با دشواری‌های اسارت بهره گرفته شده است؟

۲۰۱ متن درس «آغازگری تنها» را از نظر نوع ادبی بررسی کنید.

۲۰۲ عبارات و اشعار زیر را به نثر روان بنویسید.

الف)

تو قلب فسرده زمینی از درد، ورم نموده یک چند

۲۰۳ عبارات زیر را به نثر روان برگردانید.

الف) دروازه‌ها را با هیجان پشت سر می‌گذاشت.

ب) بی‌اُذن و خواست او دست به کاری نمی‌زد.

پ) او در چشم‌های گیرای عباس‌میرزا، یک جهان معنی و کشش می‌دید.

ت) در امتداد نگاه متفکرش، افق‌های روشن تدبیر مُلک و رعیت‌پروری را می‌خواند.

ث) اختلافات داخلی مثل کاردی بر پهلوی این کشور نشسته است.

ج) بوی پیشرفت اروپا به مشامشان نرسیده بود.

چ) مراسم، لُعابی از تشریفات، به رو داشت.

ح) آفتاب داشت تیغ می‌کشید.

خ شور جنگ در دل‌ها تنوره می‌کشید.

د کسی شکفتن چنین صبحی را باور نداشت.

ذ تا پایان مقاله‌خوانی، جیک هیچ کس در نمی‌آمد.

ر این تعداد اندک، وقتی آیه یأس می‌خواندند، در روحیه دیگران بی‌تأثیر نبود.

ز عقر به‌ها تنبل شده بودند، شاید هم مرده.

۲۰۴ با توجه به عبارت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«مردمی که به خانه‌های تاریک و بی‌دریچه عادت کرده‌اند، از پنجره‌های باز و نورگیر، گریزان هستند؛ آخر چشمشان را می‌زند و خسته‌شان می‌کند. لازمه حضور و مبارزه در هر دو جبهه، عشق و ایمان است. با این تفاوت که در جبهه بیرون، شجاعت کارسازتر است.»

الف منظور از «جبهه بیرون» چیست؟

ب به نظر نویسنده مردم از چه چیزی متنفر هستند؟

پ نویسنده در ابتدای عبارت چه مفاهیمی را در تقابل با یکدیگر قرار داده است؟

ت نویسنده در این متن چه چیزی را نکوهش می‌کند؟

۲۰۵ معنی هر یک از بیت‌های زیر را بنویسید.

الف

آبی‌تر از آنیم که بی‌رنگ بمیریم از شیشه نبودیم که با سنگ بمیریم

ب

فرصت بده ای روح جنون تا غزل بعد در غیرت ما نیست که در ننگ بمیریم

۲۰۶ مفهوم قسمت مشخص شده در عبارت زیر را بنویسید؟

الف مردمی که به خانه‌های تاریک و بی‌دریچه عادت کرده‌اند، از پنجره‌های باز و نورگیر گریزان هستند.

۲۰۷ هر یک از عبارات زیر بیانگر کدام دیدگاه است؟

الف مردمی که به خانه‌های تاریک و بی‌دریچه عادت کرده‌اند، از پنجره‌های باز و نورگیر، گریزان هستند؛ آخر چشمشان را می‌زند و خسته‌شان می‌کند.

۲۰۸ در بیت زیر شاعر بر نپذیرفتن چه چیزی تأکید دارد؟

فرصت بده ای روح جنون تا غزل بعد در غیرت ما نیست که در ننگ بمیریم

۲۰۹ با توجه به شعر زیر «بی‌رنگ بودن» به چه معناست؟

آبی‌تر از آنیم که بی‌رنگ بمیریم از شیشه نبودیم که با سنگ بمیریم

۲۱۰ با توجه به درس «آغازگری تنها» شخصیت عباس‌میرزا را تحلیل کنید.

تاریخ ادبیات

۲۱۱ «زندان موصل» خاطرات کدام اسیر دلاور ایرانی است؟

۲۱۲ «عباس میرزا، آغازگری تنها» نوشته کدام نویسنده معاصر است؟

۲۱۳ نویسنده آثار زیر را بنویسید.

الف زندان موصل

ب عباس‌میرزا، آغازگری تنها

۲۱۴ سراینده بیت زیر کیست؟

«چون شیر به خود سپه‌شکن باش فرزند خصال خویشتن باش»

پاسخنامه تشریحی

- ۱ الف) معین: مشخص، مخصوص، مقرر
ب) عدم: نیستی، نابودی
ج) آزادگان: انسان‌های وارسته
- ۲ الف) سینه‌مالان: سینه‌خیز، با حالت سینه‌خیز
قرص: گردی
ب) فروغ: روشنی، پرتو، روشنایی
خرگه: مخفف خرگاه، سراپرده، خیمه بزرگ
- ۳ اسب (بادپا) نابودکننده (عافیت‌سوز) عمیق (ژرف)
- ۴ معنای واژه‌های مشخص شده:
حکیم: دانشمند، انسان فاضل
نخوانده‌اند: نشمرده‌اند، ندانسته‌اند
ثمره: میوه، نتیجه، بر، بار
حکمت: علم، دانش، دانایی
- ۵ الف) افسر: تاج و کلاه پادشاهان
ب) بی‌پایاب: عمیق، ژرف
- ۶ الف) استاد: مخفف «ایستاد»، ایستادگی کرد / اهریمن: شیطان و ابلیس
ب) خُرد: اندک، کوچک / خود: کلاه‌خود، کلاه جنگی از جنس فلز که سربازان هنگام جنگ و تشریفات نظامی بر سر می‌گذارند.
- ۷ الف) خوناب: خون آب، خون آمیخته به آب / شفق: سرخی آسمان هنگام غروب خورشید / شام: آغاز شب
ب) سیماب: جیوه
- ۸ پولاد: فولاد / رستاخیز: قیامت، محشر
- ۹ سند: نام رودی بزرگ که از درّه میان هیمالیا و قره‌قورم سرچشمه می‌گیرد و از درّه‌ای میان هند و افغانستان می‌گذرد و به دریای عمان می‌ریزد.
- ۱۰
- الف) نامور: مشهور، معروف / عزوجل: عزیز است و بزرگوار
ب) کریم: بخشنده، جوانمرد
پ) باره: اسب
ت) اختر: ستاره، کوکب
ث) گران: سنگین، عظیم
ج) ژرف: عمیق، گود
چ) نیش: نیشتر، خنجر
ح) شبی را تا شبی: یک شبانه‌روز / خُرد: اندک
خ) بادپا: اسب تندرو
د) دمار: پی، عصب، رگ؛ دمار از کسی کشیدن: نابود کردن
ذ) مُلک: سرزمین، پادشاهی
ر) آن دم: آن لحظه
ز) دجله: نهر، رود
- ۱۱ شکل درست واژه‌های املائی:
غدر ← قدر

خورد ← خرد

قرس ← قرص

* واژه غدَر به معنی مکر و فریب است و از نظر معنایی و املائی با واژه «ارزش» در متن سؤال متناسب نیست.

مثال: دنیا را قدر نهادیم و غدر آن را خوردیم.

ارزش مکر و فریب

* از طریق رابطه تناسب بین واژه‌های «لشکر» و «خرد» در می‌یابیم که شکل املائی «خرد» صحیح است.

مثال: همی رفت پیش اندرون مرد گُرد سپاهی بر او انجمن شد نه خُرد

۱۲

الف نخوانده‌اند ← نخوانده‌اند / سرو ← سرو / سمره‌ای ← ثمره‌ای / سمره ← ثمره / معین ← معین / سرو ← سرو

ب می‌گذرد ← می‌گذرد / بغداد ← بغداد

۱۳ در گزینه ۳ «واژه غدَر» نادرست و «قدر» صحیح است.

۱۴ خدای: نهاد

هیچ: قید

الف) شکل مرتب‌شده بیت: قرص خورشید به مغرب سینه‌مالان پشت کوهساران نهاد می‌گشت.

مضاف‌الیه قید مسند

ب) شکل مرتب‌شده بیت: روی روشن روز در سپاهی به زیر دامن شب نهاد می‌گشت.

نهاد مضاف‌الیه متعم

۱۶ الف)

«ت» در «گرت» و «وَرَت» جهش ضمیر دارد و مضاف‌الیه است: گرت ز دست برآید: اگر از دست تو برآید.

ورت ز دست نیاید: و اگر از دست تو نیاید.

۱۷ آنچه: متمم

دجله: نهاد

خلیفه: متمم

الف) ترکیب وصفی مقلوب: تاریک شب (شب تاریک)

هسته صفت

ب) گروه اسمی در مصراع دوم: فروغ خرگه خوارزمشاهی

هسته

ج) فروغ: نهاد / پنهان: مسند (فروغ خرگه خوارزمشاهی در آن تاریک شب پنهان می‌گشت).

۱۹ الف: به خوناب شفق: متمم / به خون آلوده: قید / ایران کهن: مفعول

ب: آتش: متمم / کمی: قید / سوزنده‌تر: مسند

۲۰ الف) ترکیب وصفی یک مورد: روی روشن

ترکیب‌های اضافی: سه مورد: ۱- روی روز ۲- زیر دامن ۳- دامن شب

ب) بیت یک جمله دارد. شکل مرتب‌شده بیت:

روی روشن روز به زیر دامن شب در سپاهی نهاد می‌گشت.

ج) نهاد: مسند / زیر: متمم / سپاهی: متمم

۲۱

الف آن (صفت اشاره) / سیماب‌گون (صفت بیانی) / لرزان (صفت بیانی)

ب هر (صفت مبهم) / هزاران (صفت شمارشی)

پ مرگ (مضاف‌الیه) / انبوه (صفت بیانی)

ت شفق (مضاف‌الیه) / شام (مضاف‌الیه)

۲۲

الف بند

ب دریا

پ افسرها

ت لشکر

۲۳

الف فردا

ب قید ندارد

پ هر روز

ت خیلی

۲۴

الف متمم

ب مصراع دوم

۲۵ در گزینه ۲ فعل «گشت» غیراسنادی و به معنای «می‌رفت» یا «می‌چرخید» است.

۲۶ بیت «آ»: تقدّم فعل بر متمم

۲۷ آن دم، هم، کمی

۲۸ اگر، یک لحظه، امشب، دیر، سپیده‌دم

۲۹ بیت هشتم: استعاره از آسمان سرخ‌رنگ هنگام غروب

بیت دوازدهم: استعاره از میدان نبرد

۳۰ برگ استعاره از هر یک از سربازان لشکر مغول و شاخه استعاره از لشکر مغول

۳۱ بیت «الف» یا «به خونا ب شفق در دامن شام / به خون آلوده ایران کهن دید»

۳۲ هر دو کلمه «مجاز» هستند. «خرگه» مجاز از حکومت و «خاک» مجاز از وطن است.

۳۳ * تشبیه: بنای زندگی (زندگی: مشبه؛ بنا: مشبه‌به) / سیماب‌گون امواج (امواج: مشبه؛ سیماب: مشبه‌به)

* کنایه: بنای زندگی را بر آب دیدن: کنایه از زندگی را ناپایدار و سست دیدن / خیال تازه به خواب دیدن: کنایه از فکر جدیدی در سر داشتن

۳۴

الف دریای خون استعاره از غروب خورشید

ب دریای خون استعاره از میدان جنگ

۳۵

الف باران تیر: اضافه تشبیهی

ب خونا ب شفق: اضافه تشبیهی / دامن شام: اضافه استعاری (تشخیص)

پ روی روز: اضافه استعاری / دامن شب: اضافه استعاری (تشخیص)

۳۶

الف در خون نشستن کنایه از جنگ و خونریزی و گشت و کشتار بسیار

ب تر شدن مژگان کنایه از چشم اشکبار، گریه کردن

پ بنای زندگی بر آب دیدن کنایه از ناپایداری و نابودی

ت ز تن‌ها سر افکندن و ز سرها خود افکندن کنایه از کشتن

ث رفتن سرها کنایه از کشته شدن و شهادت

۳۷

الف رقصیدن مرگ ← متناقض‌نما

ب سَد روان ← متناقض‌نما

۳۸

الف برگ استعاره از سرباز / شاخه استعاره از سپاه مغول / برگ از شاخه ریختن کنایه از کشته شدن و کم شدن / شکفتن و برگ کردن کنایه از زیاد شدن و

اضافه شدن / برگ ریختن، برگ کردن: تضاد

ب مانند کردن تو به نخل و سرو: تشبیه / نخل، سرو: مراعات نظیر / آید، نیاید: تضاد / سرو نماد آزادی

در مثال «الف» علت آزادی درخت سرو را در بی‌ثمری و بی‌باری می‌داند. در این نگاه، چون سرو میوه‌ای نمی‌دهد نه شاد است و نه غمگین و این صفت در آزادگان یافت می‌شود.

در مثال «ب» علت بی‌ثمری سرو را در آزادی و تهیدستی آن می‌داند. به این کاربرد شاعرانه (آوردن دلیل غیرواقعی برای اثبات امری) آرایه «حسن تعلیل» می‌گویند.

۴۰ مفهوم مشترک بیت «رهی معیری» و محتوای درس «در امواج سند»، ایثار و از خودگذشتگی برای میهن، داشتن حس وطن‌دوستی (ملّی‌گرایی) و حراست از خاک کشور است.

۴۱ موج ← «کوه» (از امواج گران کوه از پی کوه) // موج ← «نیش» (ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت) // موج ← «سیماب (جیوه)» (در آن سیماب‌گون امواج لرزان) // رود ← «سدّ روان» (از این سدّ روان، در دیده شاه)

۴۲ جانفشانی در راه وطن

۴۳ مرجع ضمیر «خویشتن» در بیت سؤال «جلال‌الدین خوارزمشاه» است.

۴۴ برای پاسداری از هر وجب خاک این سرزمین، چه سرداران بسیاری جان باخته‌اند. خدا می‌داند که از سر عشق و علاقه به وطن خود، خون چه تعداد شاهان و فرماندهان دلاور بر زمین ریخته شده است.

۴۵ مفهوم بیت: سفارش به بخشندگی و آزادی

۴۶ این بیت به توصیف انبوهی سپاه مغول و مبارزه جلال‌الدین خوارزمشاه با سربازان مغول می‌پردازد و بیان می‌دارد شاهزاده جلال‌الدین هر تعداد سربازان مغولی را می‌گشت تعداد زیادی از مغولان، جایگزین آنها می‌شدند.

۴۷ جلال‌الدین خوارزمشاه را با این خصیصه‌ها توصیف می‌کند:

(۱) جنگجو و صف‌شکن

(۲) سوزان و نابودگر

۴۸ انقراض و نابودی حکومت و سلسله خوارزمشاهی

۴۹ میدان جنگ

۵۰ دل نبستن به دنیا (یا هر مفهوم نزدیک دیگر)

۵۱ گزینۀ «د» یا «وحشی‌گری دشمن»

۵۲ ثروتمندان باید بخشش داشته باشند و فقیران باید آزاده و بی‌تعلق باشند.

۵۳ مقاومت و پایداری در برابر سپاهیان چنگیز و اینکه با شجاعت و به‌راحتی توانست از رود عبور کند.

۵۴ رو به نابودی رفتن عظمت ایران‌زمین و نیز پایان یافتن توان و زندگی خود.

۵۵ بیانگر انقراض و نابودی سلسله خوارزمشاهیان است.

۵۶ وطن‌دوستی و میهن‌پرستی؛ ترجیح پاسداری از وطن بر زندگی خود؛ ستایش مبارزه و جان‌فشانی برای حفاظت از کشور و نیز آگاهی از این مطلب که گذشتگان ما برای حفاظت از وطن، مجاهدت‌ها و جان‌فشانی‌های بسیاری کرده‌اند.

۵۷ از چهره جلال‌الدین اشک سرازیر می‌شد و زندگی را نابودشده و ناپایدار می‌دید.

با نگرستن به امواج لرزان و سفید و بی‌قرار رودخانه، فکر تازه‌ای به ذهنش رسید.

۵۸ چهارپاره یا دوبیتی‌های پیوسته

۵۹ مفهوم بیت عدم وابستگی و تعلق به دنیا

۶۰ اگر توانایی و دارایی داری مانند درخت نخل بخشنده و کریم باش و اگر تهیدست هستی مانند درخت سرو آزاده و بی‌تعلق باش.

۶۱ به چیزهای گذرا و ناپایدار دنیا دل میند چراکه خلیفه خواهد مرد در حالی که روزگار همچنان ادامه خواهد داشت و رود دجله همچنان باقی است.

۶۲ معنی ابیات: همان‌گونه که چهره درخشان خورشید در سیاهی شب ناپدید می‌شد، شکوه و عظمت خوارزمشاهیان نیز نابود می‌گشت. (شب فرا می‌رسد و درخشش و عظمت خوارزمشاهیان از بین می‌رفت.)

۶۳ معنی ابیات سؤال: هنگام غروب، دایره خورشید، سینه‌خیز و آرام در پشت کوه‌ها پنهان می‌شد و انگار آفتاب گردی زردرنگ به‌رنگ زعفران بر سر نیزه‌ها و سپاهیان می‌ریخت (آفتاب، نورافشانی می‌کرد.)

۶۴ ب

دکتر حمیدی شیرازی در شعر «در امواج سند» با زبانی روایی به ترسیم شهامت و پایداری سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه فرزند سلطان محمد خوارزمشاه در برابر هجوم مغولان پرداخته است.

۶۵

○ _____

○ _____

△ _____

△ _____

□ _____

□ _____

۶۶

الف مژگان به خون دیده تر شد: کنایه از گریستن، شدت گریه و غم و اندوه

ب جلال‌الدین تشبیه به آتش شده است.

آتش: مشبّه به سوزاندگی (سوزان بودن): وجه شبه

پ دربارهٔ جلال‌الدین خوارزمشاه

۶۷

الف چهارپاره

ب اجتماعی - سیاسی

۶۸

الف سوار زخمی نیمه‌جان در زیر اسب از درد ناله می‌کرد.

ب جلال‌الدین در سرخی غروب خورشید، ایران را غرق در خون دید.

پ کسی نمی‌دانست جلال‌الدین در آن زمان به چه چیزی فکر کرد که مژه‌هایش از اشک خیس شد.

ت جلال‌الدین با شمشیر برّنده و کشنده‌اش در میان انبوه مغولان، کار عزرائیل را انجام می‌داد. [آنها را می‌کشت].

ث عکس ستارگان زیادی در میان امواج رود سند و به حالت رقص به حرکت در می‌آمدند و نابود می‌شدند.

ج رود سند، خروشان، عمیق، پهناور و پر از کف، دل تاریک شب را می‌شکافت و حرکت می‌کرد.

چ این دشمنان غول‌صفت را سخت خواهم کشت و هستی‌شان را با شمشیر نابود خواهم کرد.

۶۹

الف فضا سازی برای شروع جنگ و درگیری و مرگ / غروب خورشید

ب ایثار و از خودگذشتگی جلال‌الدین در مقابله با دشمنان

پ تصویر حرکت امواج

ت مانع شدن رود سند برای جلال‌الدین

ث کشتار زیاد دشمنان

ج یاری خواستن در جنگ

چ توصیف جانبازی بسیاری از بزرگان و گذشتگان در راه وطن

۷۰

الف [جلال‌الدین] در سرخی خورشید غروب، که مانند دریایی خونین بود، پادشاهی خود را در حال نابودی می‌دید.

ب [جلال‌الدین] مانند آتش به لشکر دشمن حمله کرد و حتی از آتش هم سوزنده‌تر دشمن را نابود می‌کرد.

پ [جلال‌الدین] در میدان جنگ که مانند دریای خونین شده بود، به دنبال کشتن چنگیز بود.

ت هر موجی از رود سند، مانند نیشی در چشم شاه بود و موجب رنجش او می‌شد.

ث [جلال‌الدین] یک شبانه‌روز با سپاهی اندک در برابر دشمن جنگید و سر آنها را از تن جدا کرد.

ج چنگیز به فرزندان و یاران گفت: «اگر انسان باید فرزندی داشته باشد، آن فرزند باید این‌گونه (مانند جلال‌الدین) باشد.»

چ سرو به چیزی وابسته نیست و همیشه شاداب و سرسبز است و این ویژگی آزادگان است.

۷۱

الف مغولان یا دشمنان

ب کشتن سربازان دشمن

۷۲

الف گریستن

ب کشته شدن سربازان مغول

۷۳

الف ستاره‌های بی‌شمار آسمان در میان آب رودخانه (سند) رقص مرگ می‌کردند.

ب صدای شترهایی که حامل توپ‌های جنگی بودند با صدای شیپور جنگ، در هم آمیخته بود.

۷۴

الف اسبش را مانند کشتی به آب انداخت.

۷۵

الف وقتی که لشکر او را محاصره کرد اسب را مانند کشتی در آب انداخت.

۷۶ سرو به چیزی وابسته نیست و همیشه شاداب و سرسبز است.

۷۷ اسب

۷۸ جلال‌الدین خوارزمشاه

۷۹ چهارپاره

۸۰ قالب چهارپاره از چند بند هم‌وزن و هم‌آهنگ تشکیل شده است. هر بند شامل چهار مصراع است، به این نوع شعر، دوبیتی‌های پیوسته هم می‌گویند. فقط مصراع‌های زوج قافیه دارند و قافیه هر بند با بند دیگر متفاوت است. رواج آن از دوره مشروطه بوده است.

۸۱

الف نظم / نثر

ب رهی معیری

پ مهدی حمیدی شیرازی / چهارپاره

ت مشروطه

۸۲

الف درست

۸۳ شعر «در امواج سند» سروده مهدی حمیدی شیرازی و «گلستان» نوشته سعدی است.

۸۴ ملک‌الشعرای بهار، فریدون مشیری، فریدون توللی

۸۵ الف ناب: خالص / توفندگی: غوغا کردن، غرنده بودن

ب دهشت‌بار: ترس‌آور، هراس‌انگیز

۸۶ الف توازن: تعادل، برابری

ب (ولایات: جمع ولایت، مجموعه شهرهایی که تحت نظر والی اداره می‌شود.

پ) نهیب: فریاد بلند، به‌ویژه برای ترساندن یا اخطار کردن / صفیر: صدای بلند و تیز

۸۷ الف موزون: هماهنگ، خوش‌نوا / ب) نهج: راه و روش / پ) ظرافت: خوش طبعی، نکته‌سنجی

۸۸ الف خفت: مسکینی، خواری، پستی / خوف: ترس، هراس، بیم

ب زبونی: خوار، پست

۸۹ الف تحسین: ستایش، آفرین، تمجید / اعجاب: شگفتی، تعجب

ب اهتزاز: جنبیدن، افراشتن

۹۰ الف زنبورک: نوعی توپ جنگی دارای دو چرخ کوچک که در زمان صفویه و قاجاریه روی شتر می‌بستند.

ب لعاب: روکش مخصوص که روی سفال و کاشی و مانند آن می‌کشند. (در اینجا به معنی «ظاهر»)

۹۱ الف عرصه: میدان، حیاط / محشر: روز قیامت، رستاخیز

ب واپسین: آخرین / رقم: توان، نا، باقی‌مانده جان

۹۲ ترجیح ← برتری / نهج ← روش / توازن ← برابری / تباهی ← فساد / مشام ← بینی

۹۳ الف) قبایل: جمع قبیله، تیره‌ها، دودمان‌ها/ مشام: بینی

ب) رنّا: زیبا، خوش قد و قامت (معنای قدیم: احمق)

۹۴ خصال: جمع خصلت، خوی‌ها، خواه نیک باشد یا بد

۹۵ الف) صغیر: صدای بلند و تیز

ب) تدبیر: مصلحت‌اندیشی، چاره‌اندیشی

۹۶ الف: کورسو: نور اندک، روشنایی کم، کنایه از اندک

ب) غیرت: رشک بردن، حمیت، جوانمردی، مردانگی

۹۷ «ب و د» - واعظ: اندرزگوی و پنددهنده / غرض: مقصود و هدف

۹۸ بیت «ج» - معادل واژه غیرت: حمیت، تعصب، جوانمردی، مردانگی

۹۹ الف) طاقت فرسا: سخت و تحمل‌ناپذیر، توان فرسا / ب) طرد شدن: رانده شدن، دور شدن

۱۰۰ الف) کورسو: روشنایی کم، نور اندک / ب) منزوی: گوشه‌نشین، در انزوا

۱۰۱ الف) تفریط: کوتاهی کردن در کاری / ب) یأس: ناامیدی / پ) طبع: ذوق، قریحه

۱۰۲ الف) مفضّل: گسترده، شرح و بسط داده‌شده (متضادّ مجمل)

ب) شایق: مشتاق، آرزومند

۱۰۳ الف) مصمّم: دارای عزم و اراده

ب) تنوره می‌کشید: در حال چرخیدن به هوا رفتن، شعله کشیدن و به بالا رفتن

۱۰۴ غیرت: حمیت، تعصب.

حمیت محبّ است بر طلب قطع تعلّق نظر غیر از محبوب و محبوب از غیر: تعصب عاشق است بر اینکه نظر و نگاه دیگران از معشوق قطع گردد «و برعکس»، معشوق

نیز جز عاشق، به کس دیگری نظر نمی‌کند.

۱۰۵ بیت «ج» - معادل واژه وجد، «سرور، شادمانی و خوشی» است.

۱۰۶

الف) حلقه

۱۰۷

الف) بالا: قد، قامت

ب) دارالسلطنه: پایتخت

پ) اذن: اجازه، فرمان

ت) التهاب: شعله‌ور شدن و برافروختن، مجازاً ناآرامی، بی‌قراری، اضطراب

ث) بختک: موجود خیالی یا سیاهی‌ای که بر روی شخص خوابیده می‌افتد؛ کابوس

ج) وجد: سرور، شادمانی و خوشی

چ) درایت: آگاهی، دانش، بینش

۱۰۸

الف) میان‌بالا: کسی که قدّش نه کوتاه باشد نه بلند / رنّا: خوش قد و قامت

ب) اعطا: واگذاری، بخشش

پ) امتداد: ادامه، درازا، دنباله

ت) تدبیر: راهکار، چاره‌اندیشی

ث) مجهّز: آماده‌شده، مهیا، تجهیز شده

ج) دیار: محل، مسکن، شهر

چ) بساط: هر چیز گسترده‌ای، مانند فرش، سفره

ح) افق: کرانه آسمان

خ تسخیر: تصرف کردن جایی معمولاً با زور

د آرز: طمع، زیاده‌خواهی، حرص

ذ رمق: نیرویی که باقی جان را نگه می‌دارد، تاب، توان

ر موعد: هنگام، زمان

ز جنون: شیفتگی، شیدایی

ژ نامنجم: نامنظم، خدشه‌دار

س فراز: بالا، بلندی

ش شایق: آرزومند، مشتاق

ص اجنبی: بیگانه، خارجی

۱۰۹

الف افراط

ب چنبره زدن

پ ولایات

ت زنبورک

ث تحت‌الحمایگی

ج دارالسلطنه

۱۱۰

الف

نوعی توپ جنگی که روی اسب می‌بستند

۱۱۱ سفیر: فرستاده، نماینده

مثال: سفیر کشور سوئد به وزارت خارجه معرفی شد.

۱۱۲ املای پنج واژه نادرست است

شکل درست واژه‌های املایی:

۱- حامل ← حامل ۲- سفیر ← سفیر (فریاد)

۳- قرض ← غرض (مقصود) ۴- تبع ← طبع (استعداد) ۵- برگذار ← برگزار

۱۱۳ اهتزاز پرچم - توفندگی فرزندان - روز محشر - تحت‌الحمایگی آن

۱۱۴

الف سفیر: فرستاده / سفیر: بانگ و فریاد، آوا

ب حیات: زندگی / حیات: محوطه و صحن خانه

پ انتساب: نسبت داشتن / انتصاب: نصب کردن

ت تعلّم: یاد دادن / تألّم: درد و رنج

ث خان: مرحله، خانه / خوان: سفره

۱۱۵

الف اهتزاز

۱۱۶

الف نهیب

۱۱۷ سلیب ← صلیب / تعمین ← تأمین / می‌خواستند ← می‌خواستند

۱۱۸ دو واژه «صلاح و زوق» نادرست و شکل صحیح آنها «سلاح و ذوق» است.

۱۱۹ ۳ شاخص وجود دارد: ۱- استاد ۲- علامه (اول) ۳- سید

۱۲۰ (پ) در گروه اسمی «اتابک ابوبکر بن سعد زنگی» ابوبکر، «هسته» و اتابک «شاخص» آن است.

واژه اتابک یا اتابیک: اتا به معنی پدر و بیگ، معنی بزرگ. پدر بزرگ / وزیر بزرگ

۱۲۱ در متن سؤال، ۵ واژه جمع مکسر هستند.

طوایف ← طایفه / غرایب ← غریبه / احادیث ← حدیث / خواص ← خاصه / ادعیه ← دعا
«مقالات» جمع مؤنث است، نبوغ مصدر است.
قوم و مردم، اسم جمع هستند، یعنی مفردند ولی معنای جمع می‌دهند.

۱۲۲ الف) هر دو جبهه

صفت صفت هسته

مبهم شمارشی

ب) چند نفر

صفت هسته

مبهم

۱۲۳ الف) نتیجه چنین برخورد

هسته وابسته پیشین مضاف‌الیه

صفت مبهم

ب) این وصف / هیچ جا

صفت هسته صفت هسته

اشاره مبهم

۱۲۴ الف) این فاصله

صفت هسته

اشاره

ب) آن روز / دو دربار

صفت هسته صفت هسته

اشاره شمارشی

۱۲۵ الف) کدخدا: شاخص / ب) دیوار: مضاف‌الیه

۱۲۶ ■ سرهنگ: شاخص (سرهنگ علوی به همراه خانواده‌اش به منزل ما آمد).

هسته گروه اسمی: (پدرم سال‌ها پیش سرهنگ ارتش بود).

■ سید: شاخص (سید مهدی از روحانیون محله ماست).

هسته گروه اسمی: (سید بزرگواری در همسایگی ما زندگی می‌کند).

۱۲۷ الف)

آن خاک / هر وقت

صفت هسته صفت هسته

اشاره مبهم

ب) وابسته پیشین ندارد. واژه «آن» هسته گروه اسمی است و «این» ضمیر اشاره است.

۱۲۸ الف) این دقیقه

صفت هسته

اشاره

ب) این پرده

صفت هسته

اشاره

۱۲۹ الف) -

در بیت «الف» یک وابسته پیشین وجود دارد ولی در بیت «ب» وابسته پیشین وجود ندارد. هر سو

صفت هسته

مبهم

* در بیت «ب» واژه‌های «همه» و «آن» چون قبل از اسمی نیامده‌اند صفت پیشین نیستند بلکه ضمیر مبهم و اشاره‌اند. (همه [انسان‌ها] جانب... / آن [کاری] را...)

۱۳۰ ب) سلامت امیر

هسته مضاف‌الیه

در سایر عبارات:

الف) سید اشرف‌الدین گیلانی

شاخص هسته صفت بیانی

ب) سلطان محمود

شاخص هسته

۱۳۱ (ب) - استاد: شاخص؛ حسین: هسته؛ بهزادی: وابستهٔ پسین، صفت بیانی

۱۳۲ (الف) او / چشم‌های درشت، سیاه و گیرای عباس / یک جهان

هسته هسته
وابستهٔ پیشین هسته
صفت شمارشی

یک قرن / اختلافات / جنگ‌های داخلی / کاردی / پهلوی این کشور

وابستهٔ پیشین هسته هسته هسته هسته هسته
صفت شمارشی صفت مضاف‌الیه شمارشی

۱۳۳ در عبارت سؤال دو وابستهٔ پیشین وجود دارد:

آخرین شب

صفت هسته
شمارشی

همان خورشید

صفت هسته
اشاره

آن شب

صفت هسته
اشاره

۱۳۴ این چند اسیر

صفت صفت هسته
اشاره مبهم

۱۳۵ هدیه ← هدایا / معبد ← معابد

جسد ← اجساد / نفس ← انفاس

موج ← امواج / نتیجه ← نتایج

قرن ← قرون / فکر ← افکار

۱۳۶ ترکیب وصفی: آن مقام

ترکیب‌های اضافی: ۱- سوار عقل ۲- سلطان عشق

۱۳۷ ترکیب‌های وصفی: ۱- هزار سرو ۲- سرو خرامان

ترکیب اضافی: قامت تو

۱۳۸ شاخص‌ها عبارت‌اند از: آقا - سید - میرزا (اول)

* میرزای دوم مضاف‌الیه است.

* میرزای سوم هستهٔ گروه اسمی است.

* میرزای چهارم مضاف‌الیه است. (آمدن میرزا)

هسته مضاف‌الیه

۱۳۹ بیت «الف» وابستهٔ پیشین ندارد.

در بیت «ب»: هر کجا

صفت هسته
مبهم

۱۴۰ (الف) صد نعره / هر بن مویی

صفت هسته صفت هسته
شمارشی مبهم

(ب) هر دو دیده / دو دیده

صفت صفت هسته صفت هسته
مبهم شمارشی

۱۴۱ شاخص: سید

۱۴۲ همان جمع دوستان

صفت هسته
اشاره

۱۴۳ فعل «گشت» در بیت اول اسنادی است و واژهٔ نهان، نقش مسندی دارد.

و اما در بیت دوم «می‌گشت» فعل غیراسنادی است و در اینجا با توجه به مفهوم بیت، به معنای می‌جنگید است.

۱۴۴ الف) شاخص

ب) مضاف‌الیه

۱۴۵ گزینه (الف) واژه استاد

۱۴۶ زاویه دید متن «آغازگری تنها» سوم شخص یا دانای کل است. متن، توصیف‌گر شاهزاده‌ای است که برای حفظ کشور از تهاجم بیگانگان می‌جنگد. زاویه دید متن «تا غزل بعد» اول شخص است. شخصیت اصلی داستان، فرد اسیری است که در زندان موصل عراق به اسارت درآمده و با وجود اسارت برای روحیه دادن به دیگر هم‌بندهای خود، به تعلیم و آموزش آنها همت گماشته است.

۱۴۷ الف) آن دل / آن که ← آن کس / هر دو جهان او (چهار وابسته پیشین دارد).

صفت هسته صفت هسته صفت هسته صفت هسته
اشاره اشاره مبهم شمارشی اشاره

ب) این دفتر / صد دفتر

صفت هسته صفت هسته
شمارشی شمارشی

۱۴۸ الف) - ستوان علوی

شاخص هسته

۱۴۹ ب) - امیر مسعود

شاخص هسته

۱۵۰ همین: صفت اشاره / هیچ: صفت مبهم / یک: صفت شمارشی

۱۵۱ سید و میرزا

۱۵۲ سید: شاخص / «کدخدا» و «مشدی» چون بدون اسم و هسته آمده‌اند، خود هسته‌اند و شاخص محسوب نمی‌شود.

۱۵۳

الف) دانشگاه‌های بزرگ / نیروی دریایی / نیروی عظیمی / دورترین نقاط

ب) آن سال

پ) نیروهای آماده

ت) چیزهایی ارزشمند

۱۵۴

الف) چهار منادا (افسران - فرماندهان شجاع، هم‌سنگران، یاران عزیز)

ب) (فرماندهان ← معطوف) / (یاران، جانفشانی‌ها، شما، اعجاب ← معطوف)

پ) دلاوری‌ها و جانفشانی‌های سربازان فداکار شما افسران عزیز دشمن به تحسین و اجاب وا داشت
نهاد مفعول متمم فعل

ت) فرماندهان شجاع / یاران عزیز / سربازان فداکار / افسران عزیز

ث) شجاع: صفت بیانی ساده

سربازان: مضاف‌الیه

۱۵۵

الف) «علامه» شاخص است.

ب) «عمو» نهاد است.

۱۵۶

الف) شاخص

ب) مسند

پ) مضاف‌الیه

۱۵۷

الف) صدای مهیب: وصفی

ب) نعره‌های درهم: وصفی

پ سران کشور: اضافی

ت دیدگان تر: وصفی

۱۵۸

الف وابسته پیشین (صفت پریشی): چه

هسته: غم

ب هسته: فرزند

وابسته پسین (مضاف‌الیه): خصال

وابسته پسین (مضاف‌الیه): خویشتن

پ وابسته پیشین (شاخص): امیر

هسته: مسعود

ت وابسته پیشین (شاخص): ستوان

هسته: فلاحی

۱۵۹

الف میرزا عیسی قائم مقام

ب میرزا / شاخص

۱۶۰

الف درست

۱۶۱ این کار ← این: صفت اشاره / حاج آقا کرامت شیرازی ← حاج آقا: شاخص

۱۶۲ سلطان مسعود به شکار رفت. (شاخص)

سلطان را به شکارگاه بردند. (مفعول)

۱۶۳ الف. سلطان

ب. دایی

۱۶۴ کنایه: «دست‌درازی» کنایه از تجاوز است.

مجاز: «همسایه شمالی» مجاز از لشکر روسیه است.

۱۶۵ تشبیه: عباس میرزا (مشبه) به معبد (مشبه‌به) مانند شده است. / اسب (مشبه) به کوه (مشبه‌به) تشبیه شده است.

کنایه: «کوه‌پیکر» کنایه از عظیم‌الجثه / «دل بردن» کنایه از شیفته کردن

۱۶۶ الف) «جیک هیچ‌کس در نمی‌آمد» کنایه از ساکت بودن و حرف نزدن

ب) «فرزند خصال خویشتن باش» کنایه از به خود و داشته‌های خود اتکا داشتن

پ) «آیه یأس خواندن» کنایه از سخنان ناامیدانه گفتن

۱۶۷ مجاز: «روس» مجاز از لشکر روسیه

کنایه: «درهم رفتن چهره» کنایه از غمگین بودن / «شکفتن چهره» کنایه از شادی

استعاره مکنیه: چهره شکفته شود. (چهره به گلی تشبیه شده است که می‌شکند).

۱۶۸ الف) «چنبره زدن بر چیزی» کنایه از مسلط شدن بر آن کار

ب) «در دل کسی جا باز کردن» کنایه از کسب محبوبیت

پ) «پایه پای کسی بودن» کنایه از همراه بودن

۱۶۹ کنایه: «قدم برداشتن» کنایه از اقدام کردن برای کاری است.

مجاز: «اروپا» مجاز از مردم اروپا است.

۱۷۰ در بیت سؤال دو تشبیه وجود دارد:

تشبیه ۱: چو نخل باش کریم

مشبه: تو محذوف / مشبه‌به: نخل / ادات تشبیه: چو / وجه شبه: کریم بودن

تشبیه ۲: چو سرو باش آزاد

مشبه: تو محذوف / مشبه‌به: سرو / ادات تشبیه: چو / وجه شبه: آزاد بودن

نمونه	آرایه ادبی
مثل برگ‌های خزان زده	تشبیه
سینه را سپر ساختن کنایه از ایستادگی	کنایه
گنجه با واپسین رمق‌هایش... نفس می‌کشید.	تشخیص

۱۷۲ ۱- دل نهادن: کنایه از علاقه‌مند شد و دل‌بستگی پیدا کردن

۲- ز دست برآمدن: کنایه از توانایی انجام کاری را داشتن

۳- ز دست بر نیامدن: کنایه از توانایی انجام کاری را نداشتن

۱۷۳ در ابیات سؤال، سه استعاره وجود دارد:

۱- دامن شام: اضافه استعاری (شام به انسانی تشبیه شده است که دامن دارد).

۲- دریای خون: استعاره از سرخی شفق و آسمان

۳- آفتاب: استعاره از «حکومت و قدرت» و یا «عمر»

۱۷۴ الف) تشخیص و استعاره: روی روز (چهره روز) - دامن شب: اضافه استعاری و تشخیص

ب) تشبیه: گرد زعفران‌رنگ (گرد: مشبه: زعفران: مشبه به) / گرد زعفران‌رنگ استعاره از نور کم‌فروغ و زردرنگ خورشید به هنگام غروب

۱۷۵

الف) تیغ کشیدن آفتاب کنایه از طلوع خورشید

ب) چهره در هم رفتن کنایه از ناراحتی و آشفتگی

پ) از دست دادن کنایه از محروم شدن

ت) تنوره کشیدن شور در دل کنایه از شدت اشتیاق

ث) ابرو در هم کشیدن کنایه از ناراحت شدن

ج) سر به کار خود داشتن کنایه از با خود بودن و با دیگران کاری نداشتن

چ) سینه سپر کردن کنایه از مقاومت و جان‌فشانی

ح) به صف زدن کنایه از حمله کردن

خ) از خواب بیدار کردن کنایه از آگاه کردن

د) افسارگسیخته کنایه از رهاشده، رم کرده

ذ) دل بردن کنایه از مشتاق کردن و عاشق نمودن

ر) در گشودن کنایه از پیدا کردن راه‌حل

ز) به کار بستن کنایه از انجام دادن

ژ) زیر پا گذاشتن کنایه از بی‌توجهی

۱۷۶ الف) استعاره مکنیه: شکفتن صبح (صبح به گلی تشبیه شده که می‌شکفتد)

ب) «شمشیر کشیدن آفتاب» تشخیص و استعاره است.

پ) مجاز: «سینه» مجاز از وجود است.

۱۷۷ تضاد: روشن و سیاه / روشن و تاریک / روز و شب

مراعات نظیر: روز و روشن / شب و سیاهی

مجاز: خرگه مجاز از قدرت و عظمت، شکوه و جلال، حکومت

۱۷۸ ۱- واج‌آرایی (نغمه حروف): صامت‌های /ر/، /د/، /ز/

۲- تضاد: رزم و بزم ۳- جناس ناهمسان: رزم و بزم ۴- تناسب: پدر و پسر ۵- سجع: بزم و رزم - پدر و پسر ۶- تکرار: دربار - رزم - بزم

۱۷۹ الف) تضاد: غیرت و ننگ / تشخیص: روح جنون (اضافه استعاری)

(ب) جناس ناهمسان: سنگ و شیشه / کنایه: «آبی بودن» کنایه از با آرمان و با هویت بودن، «بی رنگ» کنایه از بی هویت و بی آرمانی

۱۸۰ تناسب: تیر و کمان و شمشیر / توپ و تفنگ / مشام و بو

مجاز: تیر و کمان و شمشیر / «توپ و تفنگ» مجاز از ادوات جنگی سنتی و مدرن

کنایه: «بوی چیزی به مشام نرسیدن» کنایه از خبر نداشتن و آگاهی نداشتن از چیزی

۱۸۱ تناسب: بر، بازو، سینه و بالا (قامت)

کنایه: «خوش تراش» کنایه از خوش اندام و متناسب

۱۸۲ در مصراع اول تشخیص و در کل بیت حسن تعلیل مشهود است.

۱۸۳ تشبیه: خونا ب شفق: اضافه تشبیهی، شفق به خونا ب مانند شده است.

کنایه: غروب آفتاب خویشتن را دیدن: کنایه از مرگ و نابودی قدرت خود را نظاره کردن

واج آرایی: تکرار صامت / د /

مراعات نظیر: خورشید، غروب، شفق، شام

۱۸۴ کنایه: ۱- نهان شدن روی روز کنایه از فرا رسیدن شب و تاریک شدن هوا

۲- پنهان گشتن فروغ خرگه خوارزمشاهی کنایه از نابودی قدرت و عظمت سلسله خوارزمشاهی

ابهام تناسب: روی ۱- چهره (که در اینجا قابل قبول است). ۲- بالا، فوق (در اینجا قابل قبول نیست ولی با واژه «زیر» تناسب دارد).

واج آرایی: تکرار صامت / ر / در بیت اول

جناس ناهمسان: روی و روز (چون در همه حروف مشترک هستند و تنها در یک حرف اختلاف دارند).

۱۸۵

الف تشبیه («روس‌ها»: مشبه: «مثل»: ادات تشبیه: «مور و ملخ» مشبه به: «پراکنده شدند»: وجه شبه)

ب «به جان هم افتادن»: کنایه از با هم درگیر شدن

پ «دربار»: مجاز از افراد دربار

ت تشخیص (نفس کشیدن گنجه با واپسین رمق‌هایش)

۱۸۶ در هر دو بیت این مفهوم مشترک وجود دارد که «درد عشق درمان ندارد».

۱۸۷ «ب» - نویسنده معتقد است که آن قدر دربار ایران از حمله روس‌ها ترسان بود که فکرش نیز آزاردهنده بود.

۱۸۸ با توجه به بیت سؤال، عباس میرزا با اینکه جزو شاهزاده‌های قاجاری و نایب السلطنه بود اما به نفس و وجود خود متکی بود، علاوه بر اتکای به نفس، فردی

دلیر، مبارز و شجاع بود.

۱۸۹ ■ خرافه و عقب ماندگی

■ افکار و اندیشه‌های نو و نگرش عقلانی

۱۹۰ نگاه کردن به صحنه‌های توفندگی فرزندان ایران زمین برای مقابله با سپاه دشمن

۱۹۱ الف منظور از خواب، «غفلت» است.

(ب) ۱- «درهایی به روی ما گشود» کنایه از فضای جدیدی را به ما نشان داد.

۲- «ما را از خواب قرن‌ها بیدار کرد» کنایه از ما را بیدار و آگاه نمود.

۱۹۲ مفهوم کلی بیت، غیرت و ایستادگی در برابر دشمنان و تن ندادن به مرگ ننگین است.

۱۹۳ الف «دربار بزم»، دربار فتحعلی شاه قاجار پدر عباس میرزا / «دربار رزم» منظور عباس میرزا و رشادت‌های او.

(ب) نویسنده، جنگیدن و سختی دیدن دلاوران را با خوش گذرانی شاهان مقایسه می‌کند.

۱۹۴ «پاره‌های تن» استعاره از عزیزان و فرزندان است.

۱۹۵ مفهوم عبارت سؤال بر «تعداد زیاد کشته شدگان» جنگ ایران و روس در زمان عباس میرزا تأکید می‌کند.

۱۹۶ «ب» - مفهوم بیت «الف» ایستادگی کردن در برابر دشمن و به سادگی تن به مرگ ندادن است.

۱۹۷ عبارت سؤال به «تملق و چاپلوسی» شاهزادگان قاجاری برای نزدیک شدن قدرت و نصب می‌پردازد.

۱۹۸ گزینه «ب» یا «درخواست فرصت کوتاه»

۱۹۹ تفکر و هوشمندی، چاره‌اندیشی برای مشکلات کشور، خدمت به مردم

۲۰۰

۱- استفاده از اوقات اسارت برای آموزش و یادگیری خواندن و نوشتن

۲- تمرین و اجرای سرود و تئاتر

۳- اجرای سرگرمی‌های متنوع، ورزش و مسابقه

۴- تلاوت قرآن و نهج‌البلاغه

۵- دکلمه‌خوانی و مقاله‌نویسی

۲۰۱ محتوای درس در زیرمجموعه «ادبیات پایداری» قرار دارد. موضوع ادبیات پایداری، دعوت به ایستادگی و مبارزه در برابر ظلم و استبداد، تجلیل مقام شهید، ترویج روحیهٔ جانبازی و ایثار و اشاعهٔ فرهنگ عاشورایی است.

۲۰۲

الف

تو (ای دماوند) قلب منجمد زمین هستی که مدّتی است به خاطر دردمندی ورم کرده ای (اشاره به برآمدگی کوه).

۲۰۳

الف

با اشتیاق از کنار دروازه‌ها عبور می‌کرد.

ب

بدون اجازه و خواست او کاری را انجام نمی‌داد.

پ

او در چشمان جذّاب عباس‌میرزا، معنی و کشش بسیاری می‌دید.

ت

در نگاه پُر از تفکّرش، نشانه‌های امید به چاره‌اندیشی برای کشور و حمایت از مردم را می‌دید.

ث

اختلافات داخلی مانند یک چاقو، به پیکر کشور آسیب زده است.

ج

با پیشرفت اروپا آشنایی نداشتند.

چ

مراسم، تشریفات و ظاهری بود.

ح

آفتاب در حال بالا آمدن بود.

خ

هیجان جنگ در دل‌ها اوج می‌گرفت و بیشتر می‌شد.

د

کسی باور نمی‌کرد چنین صبحی پدید آید.

ذ

تا پایان مقاله‌خوانی، هیچ کس حرف نمی‌زد.

ر

این تعداد کم، زمانی که حرف‌های ناامیدانه می‌زدند، در روحیهٔ دیگران تأثیر می‌گذاشت.

ز

عقربه‌ها به کندی حرکت می‌کردند و زمان به کندی می‌گذشت.

۲۰۴

الف

جنگ با متجاوزان به کشور

ب

از «آگاهی» تنفر دارند و به «ناآگاهی» عادت کرده‌اند!

پ

«خانهٔ تاریک و بی‌دریجه» با «پنجرهٔ باز و نورگیر»

ت

اینکه مردم در ناآگاهی به سر می‌برند و تلاشی برای آگاه شدن نمی‌کنند!

۲۰۵

الف

ما مانند رنگ آبی زنده‌تر از آن هستیم که با مردن نابود شویم و نامی از ما باقی نماند و مانند شیشه، ضعیف و ناتوان نیستیم که در برابر سنگ ظلم و ستم

شما بشکنیم و از بین برویم.

ب

ای عشق، که روح جنون عاشقانهٔ ما هستی، به ما فرصتی بده تا غزل عاشقانهٔ دیگری هم بسراییم، برای اینکه از غیرت و مردانگی ما به دور است که در

برابر ظلم و ستم نابود شویم.

۲۰۶

الف

به ترتیب افکار پوسیده و قدیمی / افکار نو و تازه یا معادل آن

۲۰۷

الف

سخت بودن تغییر عادت‌ها (ترس از تغییر عادت‌ها)

۲۰۸

نپذیرفتن ننگ

۲۰۹

بدون جلوه و نشان بودن

۲۱۰

شاهزادهٔ شجاع و روشنفکری که توانمندی‌های خود و سپاهیان‌ش را باور داشت و برای تحقق آرمان‌های ملی خود، همراه سپاهش در برابر سپاه روس

ایستاد و جانانه جنگید.

۲۱۱

اصغر رباط جزئی

۲۱۲

مجید واعظی

۲۱۳

الف کامور بخشایش

ب

مجید واعظی

۲۱۴

نظامی گنجوی

